

« بنشینید؛ دنیا از زاویه دید کودکان دیدنی تر است



مربیان پیش دبستانی نقش بسیار مهمی در توسعه و پرورش کودکان دارند. این مربیان با صبر و حوصله خاص، فضایی امن و محبت آمیز را برای کودکان ایجاد می کنند تا آن ها بتوانند به طور طبیعی رشد و پیشرفت کنند. یکی از جذابیت های این حرفه، برقراری ارتباط نزدیک با کودکان و دیدن لحظات شادی و پیشرفت آن ها است. مربیان پیش دبستانی به نوعی مشاور، همراه و الگوی کودکان هستند. آن ها با خلق فعالیت های سرگرم کننده و آموزشی، کودکان را به کشف و یادگیری ترغیب می کنند. این تعاملات روزانه و مستمر باعث ایجاد پیوند عاطفی محکمی میان مربی و کودک می شود.

علاوه بر این، مربیان پیش دبستانی نقش مهمی در ایجاد چارچوب رفتاری و اخلاقی کودکان دارند. آن ها با نمایش الگوهای مناسب و آموزش ارزش های اخلاقی به کودکان، زمینه ساز شکل گیری شخصیت سالم و پایدار کودکان هستند. این مسئولیت، کار مربیان را به امری بسیار حساس و پراهمیت تبدیل می کند.

همچنین خلاقیت و نوآوری مربیان در طراحی محیط پرورشی و برنامه های آموزشی، یکی دیگر از ویژگی های جذاب این حرفه است. مربیان باید بتوانند به طور مداوم محیط را غنی سازی کرده و فعالیت های نوین را ارائه دهند تا کودکان در فضایی تحریک کننده و پویا رشد کنند.

این بار نیز ما را در سفری کوتاه به رودهن در شرق استان تهران همراهی کنید تا از کارگاه توانمندسازی مربیان پیش دبستان این شهرستان بیشتر بدانید. نشست ما با مربیان در محل ساختمان شماره یک آموزش و پرورش شهرستان رودهن تشکیل شد.

جلسات ما تعاملی و کارگاهی است

هر گوشه از سالن را که نگاه می‌کنیم، مریبان علاقتمند نشسته‌اند و منتظرند در این ساعت از روز، با تازه‌ترین نکته‌ها در حوزه تربیت و یادگیری بیشتر آشنا شده و در سال تحصیلی جدید با دستاوردهای بیشتری قدم به پیش دبستان محل کار خود بگذارند. همچون جلسات پیشین این بار نیز سید کمال شهابلو با ارائه مقدماتی، حاضران را در جریان برنامه‌ها قرار می‌دهد. او در ابتدای گویید:

“معمولا روال کار به این صورت است که این کارگاه را بعد از اینکه بسته‌ها به دست شما رسید و کمی با محتوای آن آشنا شدید، برگزار می‌کنیم. معمولا هم سعی می‌کنیم از آقای ناصری که دبیر مجموعه و سرگروه تولید محتوا و انتشار این بسته هستند دعوت کنیم و به ایشان زحمت بدهیم که در این کارگاه‌ها تشریف بیاورند. ولی در رودهن و اهمیتی که آموزش و پرورش رودهن دارد، سعی کردیم قبل از اینکه این بسته توزیع شود این جلسه را تشکیل دهیم و صحبت‌ها و نظرات شما را بشنویم. همچنین یک سری اطلاعات کلی را در مورد دوره پیش دبستان به دست آورید تا وقتی بسته به دست شما رسید و انشالله قرار شد با آن در سال تحصیلی جدید کار کنید، آشنا شوید. این جلسه به صورت تعاملی و کارگاه است و می‌توانید پرسش و پاسخ داشته باشید. در پایان جلسه دو فرم بین شما توزیع می‌شود که در یکی از فرم‌ها شماره تماس خود را قید می‌فرمایید و ما لینک مربوط به کانال ای‌تا بسته را برای شما ارسال می‌کنیم. شما هم می‌توانید از آن سامانه اطلاع پیدا کنید و به غیر از آن می‌توانید از فیلم‌ها و نکاتی که در کانال ذکر می‌شود استفاده کنید.”

سپس شهابلو در ادامه به تشریح و توصیف این راه ارتباطی با مریبان برای حاضران پرداخت و گفت:

“شما می‌توانید از این کانال به عنوان یک مرکز یاددهی-یادگیری نیز استفاده کنید و محتواهای مختلفی از پیش دبستان را از آنجا دریافت کنید. همچنین از طریق تلفنی که پیامک از آن دریافت می‌کنید، می‌توانید با همکاران ما در مجموعه تولید محتوا ارتباط برقرار کنید. همچنین اگر در مورد محتوا سؤالی داشتید و یا از نحوه انتشار بسته‌ها نیاز به اطلاعات بیشتر داشتید هم می‌توانید از این برنامه بهره ببرید.”

مدیر تولید انتشارات قصه و داستان سپس به اهمیت کار نظرسنجی در سیستم کار این مجموعه اشاره کرد و خطاب به شرکت‌کنندگان در این جلسه یادآور شد:

“ما امروز بر گه‌های نظرخواهی را تقدیم شما کردیم با این هدف که از نظرات شما در برگزاری جلسات بهتر استفاده کنیم. زیرا بسته‌ی من می‌دانم من می‌توانم” به این صورت نیست که ما این بسته را به شما بدهیم و در سال تحصیلی شما را رها کنیم. بلکه پشتیبانی این بسته نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا در طول سال از طریق کانالی که عرض کردم از شما پشتیبانی می‌کنیم و سؤالاتی که در اینجا مطرح می‌کنید را بررسی کرده و

پاسخگو هستیم و جواب آن را ادمین از طریق محتواهایی که از تولیدکنندگان محتوا دریافت می‌کند، در آنجا بارگذاری می‌کند و از این طریق ارتباط ما به صورت تعاملی تا پایان سال برقرار است. در یک فصل‌هایی از کار و فعالیت‌هایی که شما در رابطه با بسته انجام می‌دهید را دریافت می‌کنیم و در وبگاه و کانالی که داریم منعکس می‌شود.”

شهابلو در ادامه به معرفی سخنران اصلی جلسه پرداخت و از محمد ناصری به عنوان کسی که ۱۱ سال پایان کاری خود را به عنوان مدیر کل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی مسوولیت داشته نام برد و افزود:

“ایشان پیش از این معاون آن دفتر و سردبیر مجلات رشد بودند. قبل از آن هم مدیر مدرسه بودند و در همه پایه‌ها و رده‌های مدیریتی و مدیر کل سازمان پژوهش و اداره آموزش و پرورش خدمت کردند. تخصص ایشان پیش دبستان و دبستان است. ایشان به مجموعه ما افتخار دادند و سه سال است که زحمت تولید بسته را به عهده دارند.”

شهابلو در پایان به این نکته اشاره کرد که بسته مورد نظر به طور مستمر بر اساس نظرات مریبان و پس از بررسی کارشناسان در حال بازبینی است و هر سال در بهترین کیفیت و حالت تقدیم مریبان، کودکان و خانواده‌ها می‌شود.

موفقیت ما در گرو شناخت پیش دبستان با دبستان است

در ادامه جلسه، محمد ناصری شروع به ایراد سخنرانی با حاضران کرد. وی در ابتدا از خانم لطفی و سایر همکاران ایشان در آموزش و پرورش رودهن به دلیل برپایی این جلسه قدرانی و اظهار امیدواری کرد که این کارگاه بتواند در کیفیت بخشی فعالیت‌های مریبان این منطقه مفید و موثر واقع شود. وی نیز گفتگوی خود با حاضران را به دو بخش اصلی تقسیم کرد و خطاب به حاضران یادآور شد در طول جلسه تا هر کجا که زمان اقتضا کند، به پرسش‌های یکایک شرکت‌کنندگان پاسخ خواهد داد.

ناصری در بخش نخست صحبت‌هایش به سراغ تفاوت‌های فعالیت در پیش دبستان با دبستان رفت و گفت:

“بخش اول گفتگوی من در مورد این است که تفاوت‌های بزرگی بین دوره دبستان و پیش دبستان وجود دارد که ما باید این تفاوت‌های بزرگ را مورد توجه قرار دهیم و نه فقط به عنوان مربی پیش دبستان، بلکه به انواع گوناگون باید این کار را انجام دهیم. پدران و مادران و موسسین محترم و مدیران بزرگوار می‌بایست در جریان این کار قرار گیرند. اگر ما بین دوره دبستان و پیش دبستان تفاوتی قائل نباشیم، مطمئنا در دستیابی به اهدافی که برای پیش دبستان طراحی شده است نرسیده و با آن اهداف فاصله گرفتیم. این فاصله گرفتن به نفع بچه‌ها نیست و به ضرر بچه‌ها خواهد بود. یکی از تفاوت‌هایی که دوره پیش دبستان



نسبت به دبستان دارد، پاسخ به این سوال است که واقعاً بچه‌های ۵ ساله به چه دلیل باید از دامن خانواده و مادر خود جدا شوند و وارد یک محیط دیگری شوند و برای این کار چه الزامی وجود دارد؟ مهمترین چیزی که در پیش دبستان وجود دارد، این است که بچه‌ها در سن ۵ سالگی کم کم باید یاد بگیرند که از فردیت خود به یک جمعیتی برسند. یعنی باید از یک محیط بسته و کم جمعیت خانوادگی که در آن پدر و مادر یا احتمال خواهر و برادری هستند و از یک فضای محدود، وارد جمعی از هم سن و سال‌های خود شوند. به این دلیل که تجربه معاشرت با دوستان هم سن و سال خود را پیدا کرده و کسب کنند. مهمترین ویژگی پیش دبستانی این است که بچه‌ها را برای حضور در یک فضایی که بتواند با هم سن و سال‌های خود تعامل داشته باشند، آماده کنیم. این تعامل عمدتاً بازی است و چیزی است که بچه‌ها از آن لذت ببرند و اینکه بچه‌ها عملاً کار کردن و بازی کردن با هم سن و سال‌های خود را یاد بگیرند و به صورت خود یادگیرنده مواردی را در زندگی گروهی یاد بگیرند. این مسئله

مهم‌ترین کارکرد پیش دبستان است.

ناصری در ادامه بر این نکته مهم تاکید کرد که پیش دبستان اساساً جایی برای آموزش دادن نیست. چون محیط باید کاملاً محیطی غیر رسمی و غیر اجباری و غیر تحمیلی و غیر امتحانی و غیر مقایسه‌ای با هم سن و سالان باشد و سپس یادآور شد:

اگر ما این مسائل را به عنوان یک مربی پیش دبستان ندانیم و وارد مقوله‌هایی به اجبار شویم و با منطق واقعی قرار گرفتن بچه‌ها در این فضا با یک روندی که مخالف آن هست وارد شویم، باعث تأثیرات منفی روی بچه‌ها

خواهیم شد. مواردی را که من خدمت شما

عرض می‌کنم همه برگرفته از اسنادی است که برای این گروه سنی وزارت آموزش و پرورش تهیه و ابلاغ شده است. باید بدانید که آموزش رسمی در آموزش و پرورش برای دوره دبستان روال خاص خود را دارد. ولی چند سالی است که سازمان دیگری به نام سازمان تعلیم و تربیت کودک تاسیس شده است که آن‌ها متولی این امر هستند. بنابراین محیط پیش دبستان یک محیط رسمی نیست، بلکه محیطی غیر رسمی و دوستانه است. این شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره پیش دبستان باشد. یکی دیگر از موارد مهم که در پیش دبستان وجود دارد و ممکن است ما اشتباه کنیم، این است که فکر کنیم پیش دبستان جایی برای یاد دادن است. یعنی ما به عنوان یک مربی فکر کنیم که قرار است نقش یک معلم را ایفا کنیم. در صورتی که وظیفه معلم این است که یک سلسله از آموزش‌ها را به بچه‌ها یاد دهد و سپس از آن‌ها بازپس بگیرد. یعنی آن‌ها را ارزشیابی کند و بچه‌ها را به طور مثال از نقطه آ به نقطه ب برساند. در حالی که محیط پیش دبستان جایی است که بچه‌ها در آن آموزش نمی‌بینند، بلکه به صورت خود به خود یاد می‌گیرند. محیط پیش دبستان جایی است که مربی در آنجا فضایی را فراهم می‌کند تا در این فضا بچه‌ها به اندازه وسع و توانایی خودشان یک چیزهایی را دریافت کنند. اگر بچه‌های دبستانی لازم است که حدی از یادگیری را داشته

باشند، ما نمی‌توانیم حدی از یادگیری را برای بچه‌های پیش دبستان آموزش دهیم. بچه‌های پیش دبستان حدی از یادگیری ندارند، چون معیار حدی از یادگیری، خودشان هستند. بچه اول دبستان لاجرم باید یک سری مطالب را یاد بگیرد، او باید حروف الفبا را یاد بگیرد. او باید در ریاضی یک سری مفاهیم را یاد بگیرد و در علوم تجربی یک سری مباحث را یاد بگیرد. اما در پیش دبستان این قضا با وجود ندارد. اما فضا طوری فراهم خواهد شد که بچه‌ها به صورت خود به خود یک سری مطالب را به صورت غیر اجباری و غیر رسمی یاد بگیرند. یعنی آن‌ها خودشان یاد خواهند گرفت.

سخنران جلسه در ادامه به موضوع بسیار مهم مقایسه کردن کودکان با یکدیگر و اشتباه بودن این کار پرداخت و مربیان پیش دبستانی حاضر در جلسه را خطاب قرار داد و گفت:

”بچه‌ها را نمی‌شود با هم مقایسه کرد. یعنی فاطمه را نمی‌شود با زهرا مقایسه کرد یا سارا را نمی‌توان با همکلاسی خود و یا با دختر خاله یا پسر همسایه مقایسه کرد.

چون این مقایسه غلط است. قرار است

بچه‌ها در یک فضا و بدون اجبار یک سری چیزها را به صورت خود به خود یاد بگیرند، متوجه شوند و خودشان بیاموزند. خیال شما را راحت کنم

دوره پیش دبستان اساساً دوره دانشی

و دانش آموزی نیست و عمدتاً دوره

احساس و عاطفه است. تأثیری که

مربی روی بچه‌ها می‌گذارد، روی

عاطفه و احساس بچه‌ها است. یعنی

بچه پیش دبستان باید از اینکه به

مرکز پیش دبستانی می‌آید لذت ببرد.

یک مربی پیش دبستان به قدری پر

است که نو به نو چیزهای جدیدی برای

بچه ارائه می‌کند که او لذت می‌برد. بچه لذت

می‌برد، بازی می‌کند و بیشتر از همه مهارت می‌آموزد. تا اینکه

بخواهیم به او چیزی را به صورت مستقیم و اجبار آموزش دهیم

و در سر او فرو کنیم. ویژگی پیش دبستان، ویژگی آماده شدن

برای چیزهای دیگر است. نه اینکه بخواهیم چیزهای دیگر را به

او بیاموزیم. اما اغلب پدر و مادرها این چیزها را متوجه نمی‌شوند

و باید توجیه شوند و من به شما خواهیم گفت که چگونه این

کار را انجام دهید. آن‌ها فکر می‌کنند که پیش دبستان یک نوع

نرمش و آماده شدن است که بعد از حدود دو ماه آموزش ببینند

و وارد یکسری دروس شوند. در صورتی که نه از مربی و نه از

پیش دبستان و نه از بنیانگذاری که پیش دبستان را راه اندازی

کرده است، این توقع صورت نگرفته است. پیش دبستان محیطی

غنی است و فضای آماده کردن بچه‌هاست. پیش دبستان در

واقع یک آمادگی کار گروهی لذت بخش توام با بازی برای بچه‌ها

است. با توجه به توضیحات اجمالی که خدمت شما عرض کردم،

باید در پیش دبستان با توجه به هر بچه‌ای و تفاوتی که دارد

احترام بگذارید. احترام به تفاوت‌های فردی مهم است. تفاوت‌های

فردی بدین معناست که استعدادها و توانایی‌های بچه‌ها متفاوت

است. بچه‌ها روحیات و استعدادها متفاوتی دارند. مثلاً در مقوله

هوش، بعضی از بچه‌ها دارای هوش هیجانی بالاتر، بعضی دیگر

دارای هوش ریاضی و بعضی هم دارای هوش ارتباطی و بعضی

**یکی از تفاوت‌هایی که دوره
پیش دبستان نسبت به
دبستان دارد، پاسخ به
این سوال است که واقعاً
بچه‌های ۵ ساله به چه
دلیل باید از دامن خانواده
و مادر خود جدا شوند و
وارد یک محیط دیگری
شوند و برای این کار چه
الزامی وجود دارد**

هم دارای هوش تجسمی بهتری است. دختر بچه‌ها یک سری ویژگی‌های مرتبط با هم و پسر بچه‌ها نیز یک سری ویژگی‌های مرتبط با هم دارند و حتی نوع بازی‌های آنان گاهی متفاوت است. ساختار روحی و روانی آن‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. تمام این موارد در پیش دبستان دیده شود و باید به آن احترام گذاشته شود. به این جهت است که هیچ بچه‌ای نباید با بچه دیگر مقایسه شود. یعنی اگر دو بچه که کنار یکدیگر می‌نشینند و یکی از آن‌ها با سرعت و خیلی خوب نقاشی می‌کند و دیگری حتی مدت زمان زیادی طول می‌کشد که مداد در دست بگیرد، اصلاً نباید این دو بچه با هم مقایسه شوند.

ناصری در تکمیل این بخش از صحبت‌های خود به مثالی برای مربیان اشاره کرد و یادآور شد:

”یک بچه که به سختی مداد را در دست می‌گیرد، لزوماً اینطور نیست که نسبت به بچه‌ای که خیلی خوب مداد در دست می‌گیرد و مهارت دست‌ورزی خوبی دارد، در بقیه موارد عقب‌تر باشد. آهنگ رشد بچه‌ها با هم متفاوت است. اگر بخواهم نسبت به جنسیت صحبت کنم، رشد فکری دختر بچه‌ها نسبت به پسر بچه‌ها بیشتر است و رشد ارتباطی و فهم عاطفی آن‌ها نیز از پسر بچه‌ها بیشتر است. ولی قدرت جسمی و تحرک پسر بچه‌ها عمدتاً از دختر بچه‌ها بیشتر است. شما در مواجهه با دختر بچه و پسر بچه‌ها باید به این تفاوت روحیات توجه کنید. اما در دبستان معلم بچه‌ها را به صورت یکپارچه می‌بیند و یک حد متوسطی را برای آن‌ها قائل است. این حد متوسط به بالا را بهتر می‌گویند و از حد متوسط به پایین‌تر را ضعیف و بعد همه بچه‌ها را با هم مقایسه می‌کند و در واقع می‌خواهد همه بچه‌ها را در یک چهارچوبی بگنجانند. اما پیش دبستان این چنین نیست و پیش دبستانی خوب، جایی هست که بار اضافی را بر روی دوش بچه‌ها نمی‌گذارد. بعضی از بچه‌ها به تعبیر شما ممکن است خیلی بچه باشند و آهنگ رشد آن‌ها بسیار کند باشد. برعکس ممکن است در بعضی از بچه‌ها این مسئله بالاتر باشد و در تمام فعالیت‌ها و آموزش‌ها متفاوت عمل کنند. پس احترام به تفاوت‌های فردی و شخصی مهم است و شبیه هم کردن بچه‌ها غلط است.”

کیفیت مهم‌تر از کمیت

وی در ادامه از ارزش کیفیت کاری مربیان در مقایسه با کمیت کاری آنان سخن به میان آورد و خطاب به حاضران در جلسه که با دقت به صحبت‌های او گوش سپرده بودند گفت:

”کیفیت کاری که می‌کنید، خیلی مهم‌تر از کمیت کاری است که می‌کنید. یعنی اگر در یک روز یک مربی ۳ فعالیت را به صورت لذت بخش، سرگرم کننده و جذاب انجام دهد، خیلی بهتر از یک مربی است

که ۱۰ فعالیت را در یک روز انجام می‌دهد. یعنی اگر شما در پیش دبستان یک قصه را گفتید و فضایی را فراهم کردید که بچه‌ها از آن لذت بردند و خواستند در مورد قصه صحبت کنند و نیم ساعت سپری شود، این نیم ساعت به اندازه یک ساعت می‌تواند باشد. اما در دبستان نمی‌توان این فضا را ایجاد

کرد. چون چیزی به نام کتاب درسی داریم که این کتاب درسی سیلابس دارد و باید شما آن‌ها را برسانید و اگر شما این آزادی‌ها را قرار دهید و قائل شوید ممکن است خانواده‌ها اعتراض کنند و بچه‌ها نیز معترض شوند که ما جلوتر یا عقب‌تر هستیم. بنابراین این ریتم آموزشی است. اما چنین چیزی در پیش دبستان وجود ندارد و دست مربی کاملاً باز است برای اینکه بتواند کیفیت کار خود را بالا ببرد. ما در بسته‌ای که به شما پیشنهاد خواهیم کرد، هزار فعالیت برای شما در نظر گرفته‌ایم. شما اگر از اول سال خیلی هم سریع پیش بروید نمی‌توانید تمام این هزار فعالیت را انجام دهید. ما این هزار فعالیت را به این دلیل پیشنهاد کردیم که دست و بال شما در انتخاب آن‌ها باز باشد. شما نمی‌توانید ۱۰۰ شعر با بچه‌ها کار کنید و شاید بتوانید ۲۰ شعر با آن‌ها کار کنید. هیچ اشکالی ندارد و این مسئله فقط دست و بال شما را در انتخاب باز می‌گذارد. وقتی در یک حیاط هم تاب و هم سرسره هست و هم توپ هم لی‌لی، هر کدام را نمی‌توان ۵ دقیقه کار کرد و رفت، مگر اینکه بچه خودش بخواهد و این امکانی است که شما در محیط برای بچه‌ها ایجاد می‌کنید و لزوماً لازم نیست به همه آن‌ها برسید. بنابراین یادمان باشد که کیفیت مهم است نه کمیت و این که فرایند مهم است، نه نتیجه. فرایند به این معناست که هر کاری در جای خود با همه جزئیات و خیلی خوب انجام شود. وقتی جزئیات با دقت در کنار هم چیده شود، کیفیت به دست می‌آید. اما بعضی از افراد به حجم فکر می‌کنند و دوست دارند حجم زیادی از فعالیت‌ها را انجام دهند.”

این مدیر فرهنگی در تکمیل سخنان خود به ذکر مثالی در این رابطه پرداخت و تاکید کرد:

”یک بچه ۵ ساله مگر چقدر توان و کشش یا حوصله دارد؟ او بزرگسال نیست و قرار نیست به جایی برسد. برای سفر مثال خوبی می‌زنند و می‌گویند مقصد مهم نیست بلکه مسیر مهم است. وقتی شما قصد مسافرت به جایی دارید، از لحظه شروع به مسافرت تمام مسیر طبیعت و دیدنی‌هایی که می‌بینید، صحبت‌هایی که می‌کنید و حتی چایی که می‌خورید دارای اهمیت است. به طور کلی بچه‌های کوچک به نتیجه فکر نمی‌کنند و تمام این داستان برای آن‌ها لذتی دارد. بچه‌ها با حوصله هستند و این بدو بدو و عجله‌های بزرگ‌ترها را نمی‌فهمند. مثلاً





بدترین همبازی‌های بچه‌ها از نظر تاثیرگذاری و تاثیر گرفتن از هم نخواهند رسید. چون هر قدر هم پدر و مادرها خود را کوچک کنند، باز هم نمی‌توانند به حس بچه‌ها برسند. ولی جالب است که بچه‌ها، شما مربیان را به رسمیت می‌شناسند و به عنوان یک دوست بزرگتر شما را می‌پذیرند. به دلیل این ویژگی، شما خیلی زود بعد از اینکه ارتباط برقرار کردید، رفتار شما می‌تواند مرجع تصمیمات بچه‌ها باشد. یعنی دائماً اسم شما در خانه و در کنار پدر و مادر از زبان بچه شنیده خواهد شد.

یعنی شما دوستی هستید که بزرگتر هستید و بازی‌های زیادی بلد هستید و آن‌ها را سرگرم می‌کنید و به بچه‌ها چیزهایی که آن‌ها دوست دارند را یاد می‌دهید.

لطفاً برای زودتر بزرگتر شدن کودک، عجله نکنیم

مدرس کارگاه توانمندسازی مربیان پیش دبستان، نقش و جایگاه بازی در فعالیت‌های پیش دبستان را بسیار مهم و اساسی ارزیابی کرد و تاکید کرد: "در پیش دبستان همه چیز بازی است، یعنی قصه بازی است، شعر بازی

است، نمایش خلاق بازی است، بازی در حیاط بازی است و گردش علمی نیز بازی است. همچنین آزمایش، نقاشی، کار دستی بازی هستند. بنابراین آستین و چننه‌ی شما پر از فعالیت‌ها و قالب‌هایی است که می‌توانید وارد کار خود کنید. دلیل اینکه بچه‌ها دور شما جمع می‌شوند این است که شما به قالب‌های زیادی دسترسی دارید. در صورتی که بیشتر پدر و مادرها اینطور نیستند. مگر اینکه هنرمند یا مربی باشند و به غیر از وظیفه پدر و مادری و از این همه اطلاعات برخوردار باشند تا بتوانند با بچه‌ها مواجه شوند.

در این فرصت از برنامه یکی از حاضران به طرح یک تجربه از زندگی خود پرداخت و گفت:

"من یک پسر ۵ ساله دارم که در منزل برای انجام یکسری فعالیت‌ها اصلاً همکاری نمی‌کند. من دوست دارم به عنوان مادر یکسری چیزها را به او یاد دهم. حتی وقتی به پیش دبستان نیز او را بردم، بیشتر از دو روز در آنجا نماند.

وقتی شما در پارک ایستاده‌اید او از همان جا شروع به بازی می‌کند و شما به او می‌گویید که بدو و دیر شد و عجله کن را اصلاً درک نمی‌کند و مفهوم دیر شدن را نمی‌فهمد. بنابراین در موقع اجرای فرایند باید حواسمان باشد که در کنار بچه‌ها بنشینیم، چون بعضی اوقات ما می‌ایستیم. اگر می‌خواهید دنیای بچه‌ها را بفهمید باید بنشینید و ببینید آن‌ها از چه زاویه‌ای دنیا و اطراف را می‌بینند. یکی از دلایلی که وقتی بچه‌ها به بازار می‌روند، زود خسته می‌شوند این است که آن‌ها هیچ

جا را نمی‌بینند. در صورتی که بزرگترها همه جا را می‌بینند و آن‌ها فقط در دیوار و پاهای بزرگترها را می‌بینند. بنابراین وقتی که با بچه‌ها کار می‌کنید باید بنشینید."

مدیرمسئول اسبق مجلات رشد سپس به خاطره و تجربه‌ای در این رابطه از سفر به کشور ژاپن و آشنایی با سیستم تعلیم و تربیت آن سرزمین اشاره کرد و گفت:

"من به مدت ۱۰ روز مهمان یکی از اساتید دانشگاه ژاپن بودم. این استاد ۶ ماه در دانشگاه تدریس می‌کرد و ۶ ماه هم مدیر یک پیش دبستان بود.

اولین چیزی که توجه ما را جلب کرد و به آن نگاه کردیم کراوات ایشان بود. کراوات ایشان دارای نقش‌های کوچک و جذاب و رنگارنگ بود. مثلاً دارای طرح‌های خرگوش، موش، پروانه و غیره بود. اولین صحبت ما با ایشان اینگونه شروع شد که ایشان گفتند من چند کراوات از این طرح‌ها دارم و هنگامی که نزد بچه‌ها خم می‌شوم، اولین چیزی که نظر بچه‌ها را جلب می‌کند این طرح‌های کوچک روی کراوات من است. آن‌ها به این طرح‌ها نگاه می‌کنند و من از این نقطه ارتباط خود را با آن‌ها شروع می‌کنم و در مورد اینکه از کدام طرح خوششان می‌آید و کدام برای آن‌ها جذاب‌تر است با آن‌ها صحبت می‌کنم. به همین جهت وقتی که می‌خواهیم با بچه‌ها ارتباط برقرار کنیم باید هم قد آن‌ها شویم. یکی دیگر از اهمیت‌های پیش دبستانی این است که بچه‌های پیش دبستان با بچه‌های همسن، هم قد، هم حس و هم تجربه‌ی خود مواجه می‌شوند. حتی بعضی از افراد می‌گویند که در پیش دبستان حتی بهترین پدر و مادرها به

پیش دبستان اساساً جایی برای آموزش دادن نیست. چون محیط باید کاملاً محیطی غیررسمی و غیر اجباری و غیرتحمیلی و غیرامتحانی و غیرمقایسه‌ای با هم سن و سالان باشد

خیلی ارتباط خوبی دارد. چون البته من به او زیاد تذکر می‌دهم و می‌گویم شما پسر بزرگی شده‌ای و او دست خود را به من نشان می‌دهد و می‌گوید دست من هنوز کوچک است و بزرگ نشده‌ام.

ما فرهنگیان که وظیفه تربیت در مدارس و مراکز آموزشی را داریم، فکر می‌کنیم در منزل هم باید مربی باشیم و با فرزند خود به عنوان مربی برخورد کنیم. در صورتی که ما در خانه مربی نیستیم و یک مادر هستیم.

محمد ناصری در پاسخ به نکته مطرح شده از طرف این مربی خطاب به وی و سایر همکاران ایشان در جلسه گفت:

”بچه‌ها تفاوت‌های فردی زیادی دارند. پدر و مادرها دوست دارند یک سری چیزها را به بچه‌ها زود یاد بدهند و زود بچه‌ها را بزرگ کند و این ایراد پدر مادرهاست. ارتباط پسر شما با مادر بزرگ خود چگونه است؟ من با صحبت شما موافق هستم و ما نباید در خانه معلم بازی در بیاوریم.

اجازه دهید که من مثالی از یک نویسنده بسیار بزرگ یونانی را برای شما ذکر کنم. چند آثار از کتاب‌های ایشان را خدمت شما نام می‌برم: زوربای یونانی، سفر به خاک یونان، مسیح باز مصلوب شده. نام ایشان کازانتزاکیس است. ایشان می‌گوید وقتی که من کودک بودم، خاطره‌ی تلخ از آن دوران دارم که هیچ وقت آن را فراموش نمی‌کنم. آن خاطره این است که او می‌گوید من پيله‌ای داشتم که دوست داشتم به پروانه تبدیل شود. به من گفتند که به این پيله‌ها کن تا زودتر به پروانه تبدیل شود و این گرمای نفس تو موجب می‌شود که پروانه زودتر از پيله بیرون بیاید. او می‌گوید من دوست داشتم که پروانه زودتر از پيله در بیاید و پيله را گرفتم و به آن اینقدرها کردم و این پيله باز شد و پروانه از داخل آن بیرون آمد. پروانه‌های زیادی را دیده بودم که از پيله خارج می‌شوند و می‌گفت من این پروانه را گرفتم و روی زمین گذاشتم و دیدم اصلاً بال او باز نمی‌شود و من این پروانه را نگاه کردم و این پروانه جلوی چشم من مرد. خیلی ناراحت شدم و سوال کردم که چرا این پروانه مرد و سایرین به من گفتند که اینقدر به پيله‌ها، کردی که باعث مرگ این پروانه شدی. پروانه باید خودش و در طی زمان از پيله بیرون بیاید. گاهی اوقات ما پدر و مادرها می‌خواهیم زود بچه‌ها را از پيله‌ها در بیاوریم و کاری کنیم که آن‌ها زودتر بزرگ شوند. در صورتی که ما بزرگ شدیم چه اتفاقی برای ما افتاده است و یاد دوران بچگی به کودکی خود می‌افتیم لذت می‌بریم. نباید پدر و مادرها بچه‌های خود را زود بزرگ کنند. بچه خودش بزرگ می‌شود. چون خداوند یک سری توانایی‌های فکری در کودکان قرار داده است که گذر زمان آن‌ها را بزرگ می‌کند. چرا الان مدرسه‌های قوی اگر بچه ۱۰ روز کوچکتر از سن مورد نظر باشد، می‌گوید او را ثبت نام نمی‌کنیم. بعضی از مدارس خوب بچه‌های نیمه اول را ثبت نام نمی‌کنند و

می‌گویند نیمه دوم را ثبت نام می‌کنیم تا بچه کمی بزرگتر شود. به خاطر اینکه چرا هنوز بچه‌ای که جای گذر زمان در زندگی او وجود دارد، می‌خواهید او را بزرگ کنید. به نظر من بچه با زبان بچگی خود حرف خیلی بزرگی زده است و می‌گوید من بزرگ نشدم و ببینید دست من هنوز کوچک است. به نظر من بچه خیلی باهوش است و به خوبی همه چیز را می‌فهمد. چه دلیلی وجود دارد بچه‌ای که دوست ندارد نقاشی کند، او را مجبور به نقاشی کردن کنیم. وقتی که مادر دوست دارد الان بچه بازی کند ولی بچه دوست ندارد بازی کند. پیامبر(ص) می‌فرماید که بچه در ۷ سال اول زندگی خود پادشاه است و در هفت سال دوم وزیر هستند. آیا می‌شود به پادشاه گفت این کار را بکن و آن کار را نکن. بچه ۷ ساله پادشاه زندگی خودش است. ولی پادشاه اگر فقط در خانه خود باشد، ممکن است خیلی نازک نارنجی و مغرور بار بیاید. یکی از وجوه اهمیت پیش دبستانی این است که کودکی که تا به حال همیشه حرف او پیش بوده، ولی وقتی ۱۰ نفر بچه هم سن و سال خود را می‌بیند باید برود ته صف. در واقع بچه این کارها را یاد می‌گیرد. دلیل اینکه بچه‌ها پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود را دوست دارند، این است که آن‌ها تجربه بچه بزرگ کردن را دارند و الان می‌فهمد که نباید بی‌خودی سر به سر بچه بگذارد و بی‌خودی به بچه امر و نهی نکنیم. مثلاً وقتی مادر کودک به بچه چیزی می‌گوید، مادر بزرگ می‌گوید به او چیزی نگویند و اگر دو ساعت است بازی می‌کند و دست بردار نیست بگذارید از بازی سیر شود. اگر دقت کرده باشید همیشه بزرگ‌ترها می‌گویند بگذارید بچه‌ها از بازی سیر شوند. در این جملات حکمت و تجربه وجود دارد.

این نویسنده مطرح کشور در همین زمینه به مقایسه نوع برخورد و رفتار مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها در مقایسه با پدر و مادر کودک پرداخت و یادآور شد:

”یک مربی خوب در مهد کودک اخلاقی مانند مادر بزرگ‌ها دارد. ولی مربی‌ها از مادر بزرگ‌ها جذاب‌تر هستند. چون انرژی، جذابیت بیشتر دارند و جوان‌تر هستند. شنیدید که در بعضی از مراکز کهنسالان و بزرگسالان در کنار آن مراکز پیش دبستان وجود دارند. چون پیرمردها و پیرزن‌ها به شدت به بچه‌ها علاقه‌مند هستند و چون روحیات آن‌ها نیز مانند کودکان می‌شود. یعنی زود قهر می‌کنند، زود آشتی می‌کنند، زود خوشحال می‌شوند و زود ناراحت می‌شوند. حوصله طولانی در بچه‌ها وجود دارد. معمولاً کلیپ‌های زیادی دیده‌اید که در آن پیرمرد و پیرزن‌ها با بچه‌های کوچک خودشان را سرگرم می‌کنند و بچه‌ها نیز با آن‌ها سرگرم می‌شوند و خیلی زود با هم دوست می‌شوند و بازی می‌کنند.

این بار نیز به دلیل تعاملی بودن جلسه و احساس ارتباط دو سویه میان سخنران کارگاه و مربیان پیش دبستانی حاضر در



مربی موفق، برنامه دارد

ناصری در بخش دوم صحبت‌های خود وارد مباحث دیگری شد. او در این بخش به نکاتی همچون مثلث مربی، کودک و والدین اشاره کرد و نقطه نظرات خود را با مربیان حاضر در جلسه در میان گذاشت. وی در آغاز به اهمیت برنامه داشتن در اجرای فعالیت‌ها پرداخت و گفت:

“وقتی که ما به عنوان مربی پیش دبستان وارد پیش دبستان می‌شویم، چه برنامه‌ای داریم؟ این مسأله را با مثالی خدمت شما توضیح می‌دهم. فرض کنید مهمانی دارید که حدود ۴ بچه دارند و شما فرار است آن‌ها را به مدت چند ساعت مدیریت کنید. ولی اگر این زمان به چند روز، چند ماه و یک سال تبدیل شد، چه کاری باید انجام دهیم؟ آیا می‌شود بدون برنامه کار کرد؟ این کار غیر ممکن است و شما که نمی‌توانید مدام بچه‌ها را به حیاط ببرید و بگویید بازی کنید. بله بچه خودش بازی می‌کند اما بعد از دو ساعت خسته می‌شود و باید یک بازی دیگر انجام دهد یا استراحت کند و باید سرگرم شود و لذت ببرد. بسته‌های پیش دبستان قرار است که یک برنامه روشن و مشخصی را برای طول یک سال به شما ارائه می‌کند. این بسته جامع و کامل یعنی برنامه مشخصی داشته باشد و با اهدافی که برای پیش دبستان گفته شده است متضاد و مغایر نباشد. باید تکلیف سه نفر مشخص باشد؛ اول خودش که در پیش دبستان چه کاره است، دوم بچه و سوم پدر و مادر او چه کاره

هستند؟ اگر یک مثلث متساوی الاضلاع بکشید، یک ضلع آن مربوط به بچه، یک ضلع آن مربوط به مربی و ضلع دیگر مربوط به پدر و مادر است. در یک بسته جامع تکلیف و وظایف این سه ضلع مشخص است و هر ضلع آن مشکل داشته باشد، این مثلث کارکرد خوبی نخواهد داشت.”

او که خود دبیر بسته تربیت و یادگیری است ابتدا به تشریح ضلع مربوط به مربی در این مثلث پرداخت و یادآور شد:

“اینکه می‌گوییم تکلیف و وظیفه مربی مشخص است، یعنی باید یک مربی برنامه اجرایی مشخصی داشته باشد. یعنی دستورالعمل اجرایی و همه محتواهایی که باید منتقل کند را داشته باشد. ما یک کتاب راهنمای مربی داریم که از روز اول که بچه‌ها وارد پیش دبستان می‌شوند، تا روز آخری که از پیش دبستان می‌روند مشخص است که چه برنامه اجرایی و چه نقشه اجرایی را باید سپری کند. در دو ماه اول یعنی از اول مهر تا پایان آبان ماه شما یک نقشه‌ای دارید که در این نقشه مشخص است که در هر هفته، در هر قطعه از روز چه کارهایی را باید شما انجام دهید و چه محتوایی برای آن طراحی شده است که در مورد آن توضیح خواهیم داد. نکته دوم اینکه پدر و مادر در قبال این کاری که شما انجام می‌دهید، مسئول هستند یا نیستند؟ اگر پاسخ بدهیم که پدر و مادر مسئول نیستند، آنگاه یک ضلع آن مثلث که خدمت شما عرض کردم مشکل پیدا می‌کند و پدر مادر بعدها می‌آیند و می‌گویند که فرزند ما چیزی یاد نگرفته و می‌گوید ما همیشه در پیش دبستان بازی می‌کنیم

جلسه، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان نظر خود را با حاضران در میان گذاشت و گفت:

“در مراکز پیش دبستان چین، کسره و یا ژاپن از پیرمردها و پیرزن‌ها استفاده می‌شود. می‌گویند از تجربیات آن‌ها استفاده می‌کنیم و در عین حال همانطور که شما فرمودید از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و تجربیات و صبر و حوصله آن‌ها استفاده می‌شود. عشق و محبتی که آن‌ها منتقل می‌کنند، ممکن است یک نیروی جوان نتواند این ویژگی‌ها را منتقل کند. در عین حال نیروی جوان خود را در جاهای دیگری که کارایی بیشتری دارد به کار می‌برند. با این کار خود چند نشان و چند هدف را می‌توانند با هم نشان‌گیری کنند.”

ناصری نیز در دنباله کلام این مربی حاضر در کارگاه اینطور ادامه داد:

“ما توسط یکی از اساتید به نام آقای دکتر آرانی که به ژاپن دعوت بودیم به یک رستوران رفتیم. ایشان یکی از اساتید برجسته علوم تعلیم و تربیت هستند و آقای فوکایا نیز که متخصص دبستان هستند، با هم همراه شدیم. یک رستوران سنتی بود که یک سری میزهای کوچک مانند کرسی داشت و ما دور آن می‌نشستیم. آقای با سنی حدود ۶۰ ساله مدیر آن رستوران بود. بعد متوجه پیرزنی شدیم که حدود ۹۰ سال سن داشت و آقای فوکایا گفتند که این خانم مادر این آقای صاحب

رستوران است و این پیرزن ظرفی در دست داشت که به سمت ما می‌آمد. ایشان گفتند که در ژاپن هر کسی احساس کند که نمی‌تواند کار انجام دهد، یعنی مرده است. و این مادر خیلی از کارهای سبک را انجام می‌دهد. در یک لحظه یکی از دوستان می‌خواستند که با گوشی موبایل عکس بگیرند و این گوشی را دست این خانم داد و از ایشان خواستند که عکس بگیرند. ایشان واقعا نتوانستند انجام دهند. منظورم این است که لزوماً اینطور نیست که مثلاً یک فرد سالمند بتواند همه کارها را انجام دهد. این مسائل را در حال حاضر به این دلیل گفتم که بچه‌های ۵ ساله کارشان بازی کردن است. یعنی جدی‌ترین

کار بچه‌ها بازی کردن است و با بازی زندگی می‌کنند و وقتی شما جلوی کار آن‌ها که بازی کردن است را می‌گیرید، عصبی خواهند شد و جلوی شما خواهند ایستاد. مثلاً ممکن است شما گاهی بچه‌ها را ببینید که چیزی زمزمه می‌کنند و ضربات محکمی به جایی می‌زنند و صدای بلندی ایجاد می‌کنند. در واقع به ما توصیه شده است که وارد حریم و دنیای آن‌ها در این لحظه نشوید. تخیل بچه و چیزی که آن را می‌کوبد و فضایی که تخیل بچه و همه چیزهایی که در فضا است، برای او زنده هستند. در زندگی بچه‌ها این‌ها جریان دارند و پدر و مادر خوب کسانی هستند که این‌ها را درک کنند. ولی خیلی از پدران و مادرها این‌ها را نمی‌دانند و وقتی که شما مربی می‌شوید این‌ها را کاملاً متوجه می‌شوید. به نظر من مربی‌های پیش دبستان می‌توانند خیلی مادرهای بهتری باشند، به شرط اینکه در خانه معلم بازی در نیاورند و معلم بچه‌های خود نشوند.

جدی‌ترین کار بچه‌ها بازی کردن است و با بازی زندگی می‌کنند و وقتی شما جلوی کار آن‌ها که بازی کردن است را می‌گیرید، عصبی خواهند شد و جلوی شما خواهند ایستاد



چهار کتاب یاد می‌گیرند. چهار کتاب که همه اطلاعات مربوط به آن در این کتاب راهنما است و در خود کتاب چیزی به غیر از تصویر نیست. مانند برخی از کتاب‌ها نیست که پر از نوشته باشد و بچه از آن چیزی متوجه نشود. یعنی در این کتاب فقط بچه تصویر می‌بیند و باید با این تصویرها کار کند. اینکه چه کاری باید با آن‌ها انجام دهد در این راهنما گفته شده است. بچه چهار جلد کتاب نوآموز دارد که این کتاب‌های نوآموز برای دو ماه اول، از کتاب بدن من شروع می‌شود. بعد به موضوع خانه می‌رسد و بعد وارد شهر می‌شود و در آخر نیز وارد دنیا می‌شود. بچه‌ها این مطالب را از کتاب‌های نوآموز از بسته "من می‌دانم من می‌توانم" یاد می‌گیرند. یک سری کاربرگ نیز در این بسته وجود دارد که منگنه نشده است و دلیل آن این است که این کاربرگ‌ها باید جدا شوند. شما فعالیت‌های دست‌ورزی و خیلی از فعالیت‌های دیگر که در کتاب راهنمای مربی آمده است در اینجا یاد می‌دهید. در این بسته ۴ لوحه وجود دارد که هر کدام به تناسب کتاب از دیوار کلاس آویزان می‌شود. این لوحه‌ها در اختیار شما قرار خواهد گرفت. ما در سال‌های گذشته از مربیان می‌خواستیم که آن را اسکن کرده و چاپ کنند ولی می‌دیدیم که آن را چاپ نمی‌کنند و برخی از موسسین این کار انجام نمی‌دادند. ولی در حال حاضر این لوحه‌ها

به صورت چاپ شده در اختیار شما قرار خواهد گرفت. مثلاً وقتی قرار است بحث خانه من را آموزش دهید و کار کنید این لوحه‌ها در کلاس به مدت دو ماه آویزان است و طبق پیشنهاداتی که به شما داده می‌شود می‌توانید از آن استفاده کنید و برای آن داستان‌هایی می‌سازید و از آن جزئیاتی از بچه‌ها خواهید خواست که بچه‌ها وارد گفتگویی با شما خواهند شد. بنابراین بسته "من می‌دانم من می‌توانم" یک سری اجزای دیگر نیز دارد که بعداً مشاهده خواهید کرد. این کتاب‌ها پراز QR

کد است که مجموعه‌ای از فیلم‌ها و کارتون‌هایی است که در رابطه با موضوع واحد یادگیری ساخته شده است. ۳۰ قطعه فیلم و حدود ۷۰ قصه که بچه‌های رادیو نمایش آن را اجرا کرده و خوانده‌اند و متن آن نیز در اینجا موجود است. صد قطعه شعر که با ریتم خوانده شده است. این‌ها همه ابزار و امکانات شماست. چون همانطور که گفتیم حوصله بچه سر می‌رود. وقتی بچه وارد پیش دبستان می‌شود، بیشتر از ۳ دقیقه حوصله ندارد و شما اگر این زمان را بتوانید به ۱۰ دقیقه برسانید کار بزرگی انجام داده‌اید. مگر مواردی که بچه خودش دوست دارد فعالیت خود را ادامه دهد. مثلاً شما برای کار دستی یک ساعت پیش بینی کردید و بچه‌ها ۲ الی ۳ ساعت این کار را با لذت انجام می‌دهند. پس در یک بسته کامل و جامع تکلیف مربی، بچه‌ها و والدین کاملاً مشخص است. نکته‌ای که وجود دارد این است که کتاب راهنمای مربی دارای چهار بخش است. مثلاً ۹۷ صفحه اول کتاب راهنمای مربی مربوط به کتاب بدن من است. این بسته سومین سال است که تولید می‌شود. در این راهنما برای هر روز شما دو صفحه اختصاص داده شده است. ولی فعالیت‌های بیشتری را نیز

و شما در پیش دبستان بچه‌ها چه چیزی آموزش می‌دهید؟ در صورتی که دختر خاله او که هم سن اوست می‌تواند اسم خود و پدر و مادر خود را بنویسد. یا اینکه بچه همسایه می‌تواند تا ۱۰۰ بشمارد. در صورتی که این‌ها وظایف شما نیست، ولی پدر و مادر باید در مورد آن آگاهی پیدا کنند. بنابراین پدر و مادر نیز باید راهنما داشته باشند. یعنی همانطور که

بچه‌ها یک سری کتاب و کاربرگ دارند، پدر و مادر نیز باید یک سری تکالیف داشته باشند. ما در این بسته ۱۶۰ پیشنهاد به پدر و مادرها ارائه دادیم و به ازای هر روز یک کار پیشنهاد شده است. مثلاً کارهایی پیشنهاد شده است که اتفاقاً بچه‌ها دوست دارند آن‌ها را انجام دهند. به طور مثال حیوانات خود را در داخل سینی بریزید و با کودک بنشینید و آن‌ها را جدا کنید. یا اینکه زمانی که پدر مادر آشپزی می‌کنند، به نحوی کودک را در آن مشارکت دهید. یا زمانی که سبزی پاک می‌کنند، از کودک بخواهید که در پاک کردن سبزی

به شما کمک کند و در حین این فعالیت

عضلات کودک تقویت می‌شود، شناخت او نسبت به سبزی‌ها تکمیل می‌شود و بدون اینکه کودک متوجه شود شما می‌توانید آگاهی‌های زیادی را در حین سبزی پاک کردن به او منتقل کنید. بنابراین ما پیشنهادهایی برای پدر و مادر داریم. زمانی که پدر و مادر مقدمه این کتاب را بخوانند، راجع به دنیای پیش دبستان اطلاعات کسب می‌کنند و نسبت به وظایف مربی پیش دبستان نیز آگاهی پیدا می‌کند. از کلیت بسته مطلع می‌شوند و با پیشنهادهایی که در آن ارائه شده آشنا می‌شود. در هر بسته چند رمزینه سریع پاسخ وجود دارد که هر کدام مربوط به دو ماه است. وقتی که آن را اسکن می‌کنند، از هفته اول مهرماه تا پایان مهرماه را می‌بینند و متوجه می‌شوند که می‌توانند این کارها را انجام دهند.

ناصری آنگاه در ادامه به نکته مربوط به فعالیت‌های کودکان در این بسته پرداخت و تاکید کرد:

" نکته بعد اینکه بچه‌ها کارهای مداد کاغذی مانند نقاشی، کاردستی، وصل کردنی‌ها، اختلاف اشکال، الگوها، رنگ آمیزی، جهت‌یابی بالا و پایین و چپ و راست و موارد این قبیل را در

باید یک مربی برنامه اجرایی مشخصی داشته باشد. یعنی دستورالعمل اجرایی و همه محتوایی که باید منتقل کند را داشته باشد. مایک کتاب راهنمای مربی داریم که از روز اول که بچه‌ها وارد پیش دبستان می‌شوند، تا روز آخری که از پیش دبستان می‌روند مشخص است که چه برنامه اجرایی و چه نقشه اجرایی را باید سپری کند



فیلم، صدا، رنگ، تصویر و همه این موارد را دارد و همه این امکانات در این بسته دیده شده است. در کنار آن تبادل نظر و وجود دارد. در سال گذشته حدود ۸۵۰۰۰ نواآموز و حدود شاید ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ مربی از این بسته‌ها استفاده کردند. نظراتی که مربیان به ما منتقل کردند این بود که وقتی با این بسته‌ها کار می‌کنیم، تجربه کسب می‌کنیم و می‌دانیم که

چطور بهتر با آن کار کنیم. بنابراین سال اول اگر بتوانید با آن ارتباط برقرار کنید در سال‌های بعدی به راحتی می‌توانید از آن استفاده کنید. در مورد کلیات بسته خدمت شما صحبت کردم و حال قصد دارم وارد جزئیات آن شوم.

پاپالو، رفیق بچه‌ها و عامل آموزشی شماسست

ناصری در این قسمت از کارگاه ابتدا خطاب به حضاران پیشنهاد داد تا در صورت تمایل با طرح سوالات و پرسش‌های خود با جلسه همسو شده و مدرس برنامه نیز در زمینه جزئیات کار به آنان پاسخ بدهد. وی در همین راستا ادامه

این بسته از انعطاف کافی برخوردار است و نحوه اجرا با انتخاب شماسست. بنابراین دست و بال مربی باید باز باشد. شما تجارب بالاتر یا کمتری دارید ولی هر یک از شما ویژگی‌های شخصیتی خاص خود را دارید

داد و گفت:

“نکته‌ای که فراموش کردم خدمت شما عرض کنم این است که بسته “من می‌دانم من می‌توانم”، دارای یک عامل آموزشی به نام پاپالو است. پاپالو در زبان سمنانی سنگسری به معنای پروانه است. پاپالی در گویش گیلانی به معنای پروانه است. این پروانه عامل آموزشی شما است. این پروانه در فیلم‌ها حضور دارد و چون کاراکتر جذاب و بامزه‌ای دارد، بچه‌ها معمولاً با این پروانه رفیق می‌شوند و او را شخصیتی مانند خود می‌دانند که او نیز وارد پیش دبستان شده است. بعضی از مربیان در ابتدای سال و یا در طول سال ماکت این پروانه را درست می‌کنند و آن را وارد بازی خود می‌کنند. یعنی همانطور که نمایش خلاق یکی از برنامه‌های شماسست، پاپالو نیز یکی از بازیگران شما می‌شود که همراه بازی خود مفاهیمی را که می‌خواهید به آن شکلی که بچه‌ها دوست دارند، منتقل کنید.”

از اینجا بود که تقریباً پرسش و پاسخ کمی جدی شد و در برنامه جلسه قرار گرفت:

● آیا کتاب اولیا را باید تهیه کرده و به آن‌ها بدهیم که با خود

برای آن در نظر گرفته است که شما می‌توانید برای استفاده از آن کد را اسکن کرده و ببینید. در واقع این بسته بیش از هزار فعالیت دارد که دست و بال شما برای استفاده از فعالیت‌ها باز باشد. یعنی اگر از یک قصه خوشش نیامد، قصه دیگری جایگزین آن می‌تواند بشود. یا اگر از شعر خاصی خوشتان نیامد می‌توانید شعر دیگری را جایگزین آن کنید. بنابراین این بسته از انعطاف کافی برخوردار است و نحوه اجرا با انتخاب شماسست. بنابراین دست و بال مربی باید باز باشد. شما تجارب بالاتر یا کمتری دارید ولی هر یک از شما ویژگی‌های شخصیتی خاص خود را دارید. یعنی مربی دارای یک سری تجربیات برجسته‌ای است که بچه‌های قبلی که با آن‌ها کار کرده است عاشق آن‌ها هستند. شما آن تجربه شخصی و ویژه خود را با این فعالیت‌ها ترکیب می‌کنید و کار بسیار جالبی خواهد شد. بنابراین باید منوی انتخاب شما باز باشد تا حق انتخاب بهتر و خوبتر را داشته باشید. اگر قرار بود که تمام این فعالیت‌های اضافه نیز در کتاب چاپ شود، این کتاب یک کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای می‌شد. در صورتی که کتاب ۳۶۰ و سایر فعالیت‌ها به صورت فعالیت‌های بیشتر ضمیمه شده است. نکته دیگر اینکه وقتی شما با این بسته‌ها کار می‌کنید، این بسته پشتیبان‌هایی دارد که یکی از پشتیبان‌های

آن‌ها وبگاه است و دیگری کانالی در ایتا است که با شروع سال تحصیلی هر روز در آن فعالیت‌ها و تجربیات به اشتراک گذاشته می‌شود و در زمینه قالب‌های مختلف دائماً خوراکی‌هایی ارائه می‌شود که شما می‌توانید از آن استفاده کنید.”

ناصری در ادامه به اهمیت داشتن پشتیبان در یک بسته پرداخت و در همین رابطه یادآور شد:

“به بیان دیگر “بسته من می‌دانم من می‌توانم” پشتیبان دارد که در طی سال با شما در ارتباط خواهد بود و می‌توانید از آن بهره ببرید و اگر سوال یا نکته‌ای دارید می‌توانید با ادمین کانال و یا ادمین وبگاه مواجه می‌شوید. سوالاتی با جواب‌های

مشخص وجود دارد و تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارید و سایرین نیز تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند و شما شاهد ارتباطی خواهید بود که هر مرکزی که با این بسته کار می‌کند با آن‌ها در ارتباط باشید. مثلاً برای مناسبت شب یلدا هر کسی در مورد تجربیات و کارهایی که انجام می‌دهد، یا انجام خواهد داد مطالبی را در کانال می‌گذارد و شما می‌توانید استفاده کنید. همچنین این بسته عبارت‌های کوتاه قرآنی را توسط یکی از قاریان برجسته کشور قرائت شده و صوت آن نیز گذاشته شده است.

چون بعضی از خانم‌ها می‌گفتند که اعراب آن‌ها خدای ناکرده اشتباه تلفظ نشود. بنابراین منابع صوتی نیز به طور کامل مهیا است. تصویرگران این بسته از بهترین تصویرگرانی که در کتاب‌های درسی و مجلات رشد فعالیت داشتند، هستند. یعنی یک تیم حدود ۲۰ نفره این کار را انجام دادند. چون بچه قبل از هر چیزی با تصویر ارتباط برقرار می‌کند، نه با متن. بنابراین با توضیحاتی که خدمت شما عرض کردم این بسته دارای جذابیت‌های بصری و هنری است و چند رسانه‌ای است. یعنی



در منزل داشته باشند؟

● این کتاب راهنمای اولیا است. برای اولیا خیلی خوب است که این کتاب کاغذی را به اولیا بدهیم. اما ممکن است در مراکز پیش دبستانی بعضی از شهرستان‌ها برای اینکه مبلغ بسته کمی کاهش پیدا کند. ما این راهنما را به صورت رمزینه سریع پاسخ در پشت همه کتاب‌ها گذاشته‌ایم و والدین می‌توانند این کتاب را نخرند و از این امکان استفاده کنند. اما معمولاً کتاب‌های کاغذی بهتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ولی ما این فایل را در تمام کتاب‌ها گذاشته‌ایم. اما اگر مثلاً مرکز رودهن این بسته را انتخاب کند، به ازای هر مربی و کلاس یک کتاب و لوحه‌ها به صورت هدیه تقدیم خواهد شد. بنابراین توصیه ما این است که کتاب راهنمای والدین را خریداری کند. اما اگر خریداری هم نکردند، می‌توانند پشت جلد کتاب‌ها را اسکن کرده و از مطالب آن استفاده کنند.

● اینکه شما می‌فرمایید در منزل به عنوان مادر معلم بازی در نیابیم، یک نکته در اینجا مطرح می‌شود. اینکه چگونه باید قوانین اولیه را به کودک آموزش داد و اینکه چه کاری درست است و چه کاری اشتباه؟ از آنجا که مادران وقت بیشتری را با کودکان سپری می‌کنند، وظیفه تربیت بیشتر بر دوش مادران است و پدران نقش چندانی در این موضوع ندارند. اگر بخواهم قوانین را به کودک یاد دهم، چگونه این کار را انجام دهم؟

● بحث این نیست که پدر و مادر چیزی نگویند، بلکه مهم چگونه و چقدر گفتن است. گاهی اوقات با یک کلمه بچه منظور شما را متوجه می‌شود. ولی بیشتر پدر مادرها و معلم‌ها اینگونه هستند که در مورد آن موضوع توضیحات خیلی زیادی می‌دهند. گاهی فقط با یک اخم بچه شاید متوجه کار اشتباه خود شود. به نظر من بیشتر از میزان لازم به بچه‌ها امر و نهی می‌کنیم و بچه‌ها این امر را نمی‌پذیرند. مثلاً بچه به صورت خصلتی و ذاتی می‌خواهد بدود، ما به او می‌گوییم که ندو. اجازه بدهید بدود و یک بار زمین بخورد. با خوردن زمین، اتفاق خاصی نمی‌افتد و دست او نمی‌شکند. کودکی که بعد از دویدن

زمین می‌خورد، اگر خودش بلند شود و ببیند

کسی به او نگاه نمی‌کند، گریه هم نمی‌کند. بچه‌ای که چند بار زمین بخورد، مطمئن باشید که در موارد مشابه دیگر حواس خود را جمع می‌کند. من فکر می‌کنم که پدر مادرها بیش از حد لازم به بچه‌ها تذکر می‌دهند و بیش از حد لازم می‌خواهند یک سری چیزها را به بچه‌ها یاد دهند و این غلط است. فرمایش معصوم است و فرمودند: *كُونُوا دُعَاةَ لِلتَّائِبِ بِعَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ*.

که این خطاب به همه آدم‌هاست. یعنی می‌فرمایند: مردم را دعوت کنید به غیر از روشی که با آن‌ها صحبت کنید، یعنی با رفتار خود این کار را انجام دهید. کاری که پدر و مادر انجام می‌دهند را بچه یاد می‌گیرد. آیا شما به یک بچه ۵ ساله می‌گویید که نماز بخواند؟ خیر. اما بچه‌هایی که پدر و مادر آن‌ها نماز می‌خوانند شروع به نماز بازی می‌کند. ولی اگر برای بچه این مسئله رو مدام تکرار کنید، ممکن است بچه آن را انجام دهد ولی

بعد آن را ترک می‌کند.

● اینکه بچه‌ها از دیگران یا بچه‌های دیگر حرف‌های زشت یاد می‌گیرند و بعد از من در مورد معنای آن سوال می‌کند، واقعا من در آن لحظه نمی‌دانم چه پاسخی بدهم.

● یکی از دوستان تعریف می‌کردند که اقوام آن‌ها از آلمان آمده بودند که بچه‌های آن‌ها در آلمان به دنیا آمده بودند و جسته گریخته یک سری کلمات فارسی را می‌دانستند. این بچه‌ها را به پارکی در ایران برده بودند و آن‌ها در مدت

زمان بسیار کمی، فحش‌های بسیار زیادی را یاد گرفته بودند. اینکه چرا بچه‌ها آن فحش‌ها را یاد می‌گیرند، این است که قطعاً والدین نمی‌خواهند بچه‌ها آن را یاد بگیرند و حساسیت بچه‌ها به مواردی که پدر و مادر آن‌ها را منع می‌کنند نیز بیشتر است. برخورد شما باید به گونه‌ای باشد که گویا یک گوش شما در است و گوش دیگر دروازه. شما باید این موارد را نشنیده بگیرید. در تربیت می‌گویند که مربی و معلم باید پرده‌دار باشد نه پرده در.

بنابراین پرده‌داری مهم است نه پرده دری. پرده پوشی یعنی شما می‌بینید که

دارد یک اتفاق می‌افتد ولی چیزی روی آن می‌اندازد و می‌گویید من آن را ندیدم. پرده دری یعنی شما می‌بینید و می‌دانید یک اتفاقی می‌افتد و پرده را کنار می‌زنید که آن را ببینید. یک مربی باید پرده‌دار بچه‌ها باشد نه پرده در آن‌ها. خداوند بزرگترهای ما را رحمت کند، وقتی که ما بچه بودیم و نزد آن‌ها می‌رفتیم سلام نمی‌کردیم. پدر مادر ما به ما می‌گفتند سلام کن. آن‌ها می‌گفتند نه سلام کرد. یکی از مشکلات ما در نسل جدید این است که بچه‌ها اصلاً سلام نمی‌کنند و این مسئله با اینکه سلام کن، حل نمی‌شود و باید در فضا قرار بگیرد تا آن را یاد بگیرد. من فکر می‌کنم نباید زیاد سر به سر بچه‌ها گذاشت. بچه وقتی چیز نادرستی را یاد می‌گیرد و آن را تکرار می‌کند، هنگامی که بی‌توجهی شما را می‌بیند، بچه‌ها آن را فراموش می‌کنند. ولی وقتی که شما آن عبارت را دقت می‌کنید و از او می‌پرسید چه گفتی. این به معنای هک آن جمله یا عبارت در

**بسته "من می‌دانم من می‌توانم"،
دارای یک عامل آموزشی به نام
پاپالواست. پاپالو در زبان سمنانی
سنگسری به معنای پروانه است.
این پروانه در فیلم‌ها حضور دارد و
چون کاراکتر جذاب و بامزه‌ای دارد،
بچه‌ها معمولاً با این پروانه رفیق
می‌شوند و او را شخصیتی مانند
خود می‌دانند که او نیز وارد
پیش دبستان شده است**



الفبا را یاد داد، جستجو کنید و چرا نباید اعداد و چرا نباید اعداد را به بچه‌های پیش دبستان یاد داد؟ شما ده‌ها و صدها مقاله در این زمینه پیدا خواهید کرد و می‌توانید آن‌ها را مطالعه کنید. شما باید دلایل این مسئله را بدانید. پدر و مادرها این دلایل را نمی‌دانند که این درخواست را از شما دارند. یکی از دلایل این مسئله این است که کودکی که در پیش دبستان به غلط حروف الفبا را یاد می‌گیرد، بعداً که وارد پایه اول ابتدایی می‌شود چیزهایی که بلد است را نمی‌تواند مجدد بنشیند و یاد بگیرد و شروع به شیطنت و حواس پرتی می‌کند. اینجاست که معلم بعد از تحمل دو الی سه روز، نهایتاً حال بچه را می‌گیرد و بچه را به دلیل سواد که دارد مواخذه می‌کند. چون بچه نباید این سواد را داشته باشد. بلکه بچه باید آمادگی لازم را داشته باشد. ما دو سال قبل شکل الفبای فارسی را در بسته خود آورده بودیم. دوستان ما در تعلیم و تربیت به ما گفتند لطفاً شکل حروف الفبا را نیز حذف کنید و گفتند که حروف الفبا نباشد. البته که بچه‌های علاقمند که حال به صورت غیر مستقیم از اطرافیان خود یا در منزل چیزی را یاد گرفتند که نباید او را مواخذه کنیم که چرا یاد گرفته است؟ نکته اصلی این است که شما به عنوان مربی نباید حروف الفبا را یاد دهید.

۴/۴ دادن هر گونه تکلیف در منزل برای نوآموز. بعضی از مربیان اشتباه می‌کنند و در منزل به کودک تکلیف می‌دهند. یک بچه ۵ ساله به تکلیف نیازی ندارد. ممکن است اولیا بگویند فلان پیش دبستان برای بچه‌ها تکلیف می‌دهد. این کار غلطی است و غیرقانونی است.

۵/۵ ارزشیابی مستقیم از بچه در پیش دبستان.
۶/۶ اجبار به انجام تکلیف در پیش دبستان.

حال سوال این است که اگر شما به بچه‌ای در پیش دبستان گفتید نقاشی بکشد و او این کار را انجام نداد باید او را مواخذه کرد؟ خیر. هیچ اشکالی ندارد و هزار و یک دلیل ممکن است وجود داشته باشد که این کار را نمی‌کند. شاید اولین دلیل او در باره اینکه چرا نقاشی نمی‌کشد، این باشد که می‌گوید من دوست ندارم. یا همین بچه‌ای که می‌گوید حوصله نقاشی را ندارد وقتی که ببیند کودکی کنار دستی او نقاشی می‌کشد و شما به او یک توجه جزئی می‌کنید، می‌گوید من هم می‌کشم. یا این که کودک بلد نباشد و می‌توانید به او بگویید که آیا می‌توانید خط خطی کنید. یکی از تمرینات می‌تواند این باشد که اول بچه‌ها خط خطی می‌کنند و بعد از آن‌ها می‌خواهیم که با این خط خطی‌ها یک شکل درست کند و کارهای جالبی به دست. با توجه به دقت نظری که بچه‌ها در اشکال پیدا می‌کنند. چون یکی از بازی‌های خوب بچه‌ها تخیل ورزی با کاشی یا اشکال هندسی یا خط خطی‌های بی‌ربط است و کودک در آن با تخیل خود هزاران شکل را در می‌آورد و این آغاز هنر است. حتماً نام میکل آنژ را شنیده‌اید. او یک مجسمه ساز بود و از یک تکه سنگ بسیار بزرگی که یک جا افتاده بود، توانست مجسمه‌ی حضرت داوود(ع) را از آن درآورد. وقتی همگان با تعجب اعجاب از او سوال کردند که چگونه حضرت داوود(ع) را از این تکه سنگ

مغز بچه است.

● بله دقیقاً بچه وقتی که با او جایی می‌رویم یا کسی به منزل ما بیاید، برای اینکه مرا حساس تر کند مدام آن را تکرار می‌کند. و من دوست ندارم هنگامی که مهمان داریم بچه من حرف بد بزند و وقتی که به او این مسئله را تذکر می‌دهم او بدتر می‌کند. خودش نیز به من می‌گوید که به من آنقدر تذکر نده چون بدتر می‌شود.

● بله ماشاءالله او هم یک کودک است و هم یک مربی. باید با کودکان آرام و منطقی باشیم و لطفاً خیلی سر به سر بچه‌ها نگذارید. چون در نتیجه آن‌ها سر به سر شما خواهند گذاشت.

● اگر محتوای این بسته و کارکردهای آن در اختیار پدر و مادر قرار بگیرد، خیلی خوب است و یا یک جلسه توجیه مخصوصاً برای مادرها برگزار شود، به نظرم خیلی مفید خواهد بود. چون وضعیت فرزند خود را با مراکز پیش دبستانی دیگر مقایسه می‌کند و مثلاً می‌گوید آنجا الفبا و اعداد را یاد می‌دهند.

● صحبت این خواهر ما این بود که وقتی مادران کودک خود را به پیش دبستان

می‌آورند، بعد از مدتی فرزند خود را با بچه‌های پیش دبستانی دیگر مقایسه می‌کنند. توصیه ما این است که کتاب راهنمای اولیا را پدر و مادرها خریداری کنند و اگر خریداری نکردند، شما صفحه ۱۱ این کتاب را کپی بگیرید و به آن‌ها بدهید. این یک صفحه بعد از توضیحات مقدماتی به والدین می‌گوید که چه کارهایی در پیش دبستانی ممنوع است.

۱/ مقایسه عملکرد نوآموز با عملکرد نوآموزان دیگر.

این موارد از اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش به دست آمده است و این مسئله را باید والدین بدانند.

۲/ اجبار برای نوآموز برای دستیابی به حد معینی از یادگیری.

۳/ آموزش الفبای فارسی.

از شما خواهش می‌کنم که امشب زمانی که منزل رفتید با گوشه خود در مورد اینکه چرا به بچه‌های پیش دبستان نباید

در تربیت می‌گویند که مربی و معلم باید پرده دار باشد نه پرده در. بنابراین پرده داری مهم است نه پرده دری. پرده پوشی یعنی شما می‌بینید که دارد یک اتفاق می‌افتد ولی چیزی روی آن می‌اندازید و می‌گویید من آن را ندیدم. پرده دری یعنی شما می‌بینید و می‌دانید یک اتفاقی می‌افتد و پرده را کنار می‌زنید



باشد. پس چیزی که به پدر و مادر علی می‌گویید، با چیزی که به پدر مادر محمد یا پدر و مادر دارا یا سارا می‌گویید، متفاوت است. این مسئله را شما به عنوان مربی که با حدود ۳۰ نوآموز برخورد دارید و مشاهدات خود را در یک دفترچه شخصی خود یادداشت می‌کنید. در این صفحه بعد از دو ماه شما آن‌ها را وارد می‌کنید. کتاب بدن من کتاب اول است و کتاب خانه من کتاب دوم است. کتاب آخر کتاب دنیای من است و پدر و مادر وقتی به پیشنهادهای مربی و نظرات مربی در آن دقت می‌کنند، متوجه می‌شوند که علی در کتاب دنیای من رشد بیشتری پیدا کرده است. این یک نوع ارزشیابی ملایم توصیفی غیر برخوردارنده است. به این ترتیب نه به پدر و مادر برمی‌خورد و نه اینکه بچه با کسی مقایسه شده است و شما یک آینه گرفته‌اید و چیزهایی که در پیش دبستان اتفاق افتاده است را منعکس کرده‌اید. پس در واقع شما ارزشیابی هم دارید ولی از جنس و نوعی متفاوت با دبستان.

گاهی یک لبخند، کودک را به وجد می‌آورد

ناصری در ادامه گفت: تشویق حتماً یک ستاره چسباندن به دست بچه‌ها نیست. تشویق می‌تواند یک لبخند، یک توجه بیشتر باشد و با یک کار بیشتر باشد. البته تشویق کلامی نیز باید به گونه‌ای باشد که به شکل نقل و نبات بریزد که سایر بچه‌ها حس نکنند که آن بچه را مربی دید و ما را ندید. بعضی از افراد ذاتاً آدم‌های خوشبینی هستند و بعضی نیز بدبین هستند و وقتی یک ماجرای را برای فرد خوشبین تعریف کنید، ماجرا را از یک زاویه دیگر و به صورت خوشبینانه خواهد دید و آدم بدبین نیز از زاویه بدبینانه یک قضیه را می‌تواند ببیند. یک آدم متعادل آدم واقع‌گرایی است. یک مربی واقع‌گرا از نوع خود و با روش خود تشویق می‌کند. یعنی یک بچه کوچک و پیش دبستانی را از جنس خودش تشویق کند. اگر یک بچه نقاشی خوبی دارد، می‌توان به او گفت که این نقاشی را می‌توانی با یک رنگ دیگر هم انجام دهی؟ یک معلم ریاضی خوب وقتی بچه مسئله را به خوبی حل می‌کند، به صورت مستقیم تشویق نمی‌کند و می‌گوید این روش خوبی است، ولی به نظر شما آیا روش دیگری هم وجود دارد؟ پرسیدن نظر یک کودک باهوش تشویق بزرگی برای او محسوب می‌شود. تشویق معلم بسیار می‌تواند کارساز باشد. ولی باید به گونه‌ای باشد که بارانی باشد که به همه جا ببارد و آفتابی باشد که به همه جا تاباند. ولی وقتی که شما یک نورافکن را به چشم یک نفر می‌تابانید، این تبعیض است و تشویق نیست. به

ساختی؟ او گفت من چیزی نساختم و فقط ایشان را از داخل سنگ در آوردم. بچه‌ها نیز از بین خط خطی‌ها می‌توانند هزاران چیز در بیاورند. بچه‌ها از ابرها می‌توانند هزاران بازی در بیاورند، از نقاشی‌ها هزاران داستان در می‌آورند و از لوحه‌ها هزاران نوع داستان می‌سازند. این یعنی تخیل و خلاقیت. پس اجبار به انجام تکالیف در پیش دبستان ممنوع است.

۷/ آموزش انتزاعی و حافظه مدار، آموزش اعداد ریاضی و هر گونه نمره دهی و صدور کارنامه.

اما ممکن است کسی کتاب‌های ما را دیده باشد و به ما بگوید آقای ناصری در صفحه ۴۰ همه‌ی کتاب شما سخن مربی با والدین آمده است. این صفحه به این معناست که شما بعد از دو ماه که کتاب بدن من را تمام کردید، باید در این صفحه چیزی بنویسید. در اینجا نوشته شده است که در صورت اجرای کامل فعالیت‌های کتاب بدن من، بر اساس راهنمای مربی که داشتید، انتظار می‌رود که نوآموز بدن خود و اعضای آن را بشناسد. چون با توجه با اینکه ما ۸ هفته داریم در این کتاب در مورد بدن من، ۸ هفته در مورد اعضای بدن، ظاهر و پوشش، احساس من، حواس پنجگانه، آداب و رفتار اجتماعی، سلامت جسم، بهداشت فردی و مراقبت از خود و مشاغل مرتبط با بازی، نمایشنامه، خنده، شوخی، کارتون، نقاشی و قالب‌های دیگر این مطالب گفته شده است. در صفحه ۴۰ می‌گوید وقتی که شما این کارها را انجام دادید، ویژگی‌های بدن و کارکردهای اعضای بدن آشنا بشود و با احساسات و نحوه بروز احساسات خود آشنا شود. بعد از این که بچه همه این‌ها را یاد گرفت، اینجا نوشته شده است که بر اساس اهداف این نوآموز عزیز، مثلاً با نام علی به دانش و مهارت‌های ذیل دست یافته است. مثلاً در مشاهده شما به دست آمده است که علی آدمی است که خیلی خوب نقاشی می‌کشد و دست و ورزش خوبی دارد و به خوبی نقاشی می‌کشد و در واقع استعداد این کار را دارد. برای این موضوع در اینجا می‌نویسید که علی در کارهای دستی و نقاشی استعداد خوبی دارد. یا مثلاً از لحاظ روابط عمومی مثلاً فلان است و ویژگی‌های مثبت او را می‌نویسید و اگر دیدید که چند ویژگی را علی ندارد و می‌خواهید آن‌ها را به پدر و مادر پیشنهاد دهید، نباید در اینجا بنویسید که علی این ویژگی‌ها را ندارد. مثلاً اگر علی یک بچه منزوی است و در کارهای گروهی مشارکت ندارد، در اینجا می‌نویسید و پیشنهاد می‌کنید که بچه مشارکت ندارد و بهتر است به مهمانی‌ها برده شود و با بچه‌های همسن و سال خود بیشتر بازی و مراوده داشته

نظر من فرهنگ ما خیلی شرایط بهتری پیدا کرده و خیلی بهتر شده است. همین که نمره را کنار می گذاریم و به ارزشیابی تبدیل می شود. البته هنوز معلم های سنتی نمره را حفظ کردند. اگر دقت کنید با این کار فشار زیادی از روی دوش بچه ها برداشته می شود و آن ها آرام تر می شوند. ما تقریباً دو هفته پیش با یک سری از معلم هایی که به تازگی از دانشگاه فرهنگیان فارغ التحصیل شده بودند و از رتبه های خوب کنکور هم بودند گفتگو داشتیم. استاد آن ها آقای مرادی از آن ها سوال کرده بود که آیا شما در زندگی شخصی خود در دوران دانش آموزی از تشویق شدن ضربه ای خورده اید؟ یکی از دانشجوی های معلم که خانم هم بودند گفته بود که من همیشه شاگرد اول بودم و واقعا دیگر دوست نداشتم که شاگرد اول باشم و گفت که یک بار تصمیم گرفتم که دیگر اینگونه نباشم و در دوره راهنمایی تکالیف خود را انجام ندادم. وقتی معلم به من رسید و متوجه شد تکالیفم را انجام ندادم، گفت از تو انتظار نداشتم و یکی از بزرگترین مسائلی که به من برخورد، همین مسئله بود. چرا باید اینگونه می بود؟ من هم مثل بچه های دیگر شاید یک روز نمی خواهم تکالیفم را انجام دهم. تشویق در ظاهر شاید به نظر خوشایند بیاید، ولی

در باطن به منزله کشتن آن آدم است. یک حدیث جالب را برای شما عرض می کنم. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند کسانی که از شما تعریف می کنند، بر روی صورت شما خاک می ریزند و اصلاً حرفی از شما نمی پذیرند. چون با این کار شما را می کشند. زمانی که شما یک نفر را در روبروی او تعریف و تمجید می کنید، مانند طاووس داستان مولاناست، که می گوید یک شغال داخل خم رنگ افتاد که رنگ های مختلفی داشت وقتی از آن بیرون آمد و به شکل دیگری درآمد به این ترتیب به خودش مغرور شد و گفت من طاووسم. همه او را مسخره کردند و خندیدند و

گفتند اگر طاووس هستی بال تو کجاست؟ که بعد باران هم بارید و تمام رنگ های او را شست و با خود برد و او بد قیافه تر هم شد. من چون تجربه بیشتری از شما دارم که مثلاً عناوین مثل معلمان برتر، روش های تدریس برتر و این موارد زیاد وجود دارد. اینکه آدم همیشه به عنوان بهتر شدن و برتر بودن باشد، خود یک نوع مرضی است و همیشه گدای محبت دیگران خواهد بود و این به نوعی آدم را کشتن است و اینکه وقتی از یک نفر بیش از اندازه تعریف شود او شخص مغروری خواهد شد.

ایده پرداز جریان قصه در مدرسه در تکمیل این پرسش و پاسخ و نحوه تشویق و ترغیب کودکان در محیط پیش دبستان خطاب به تمامی مربیان تاکید کرد:

"یک معلم واقع گرا به طور طبیعی با تمام بچه ها مهربان است و این خود یک نوع تشویق است. اگر نقاشی یک کودک بسیار زیبا و عالی بود، شما باید خود را کنترل کنید. نه اینکه به بچه ها بگویید که بچه ها نگاه کنید چه شاهکار و نقاشی قشنگی و با این کار شما بچه را از حد خود خارج می کنید. یعنی شما حد یادگیری و حد هنر یک نفر را بالا آورده اید که بقیه بچه ها اصلاً نمی توانند به آن برسند. اما تشویق دسته جمعی روش خوبی

است. مثلاً شما تمام نقاشی ها را با یک طناب به دیوار وصل کنید. بچه ها خودشان متوجه می شوند که کدام نقاشی بهتر است و بعد به صورت طبیعی می گویند که مثلاً مریم تو چقدر خوب نقاشی کرده ای. این یک روش طبیعی و خوب است. با این روش شما نگفتید ولی همه بچه ها می گویند مریم تو چقدر قشنگ نقاشی کرده ای. یا وقتی نمایش خلاق را اجرا می کنید می بینید که مثلاً همه بچه ها می گویند که خانم اجازه دهید که زهر این را اجرا کند. چون خیلی بامزه اجرا می کند. این نیز یک روش طبیعی است و لازم نیست که شما بگویید بچه ها ببینید زهر چقدر قشنگ اجرا می کند و بگوید از او یاد بگیرید. این ها مواردی است که شما به تجربه متوجه می شوید. ولی هر معلم و مربی هر ساله تجربیات جدید و بیشتری برای خود کسب می کند.

● در ارتباط با آیات قرآنی و مفاهیم مربوط به آن، آیا بایستی ما مفهوم آن ها را به بچه ها یاد بدهیم؟

ما در بخش آموزه های قرآنی ۱۵ آیه بسیار کوتاه را آورده ایم. مثلاً سلام علیکم یک آیه قرآن است یا و احسنو. آیه طولانی آن؛ الله خالق کل شیء است. آیه الله خالق کل شیء را در متن تمام فعالیت های هفته و در سر جای خود آورده ایم. مثلاً در قسمت شعر به آن اشاره شده

است و در فعالیت ها سعی کردیم متن و مفهوم آن را بچه درک کند. چون بچه ها حافظه خوبی دارند و بعد از ۱۰ الی ۱۲ بار تکرار در فواصل مختلف آن را به طور خود به خود یاد می گیرند. پس نیازی به اجبار شما برای حفظ کردن آن ها اصلاً وجود ندارد. پس مفهوم آیه در حین فعالیت ها گفته می شود و حفظ آیه نیز به صورت غیر اجباری گفته می شود. اگر شما بدانید بچه ها را علاقمند کنید که سوره های کوچک قرآن را یاد بگیرند. سوره هایی مانند سوره های اخلاص، حمد، ناس، فلق سوره های کوتاهی هستند که این

قابلیت را دارند. البته ما این سوره ها را در بسته خود نداریم. بچه ها این قابلیت را دارند و این ها را یاد می گیرند. وقتی برای بچه ها چیزی تکرار شود، به طور خود به خود توجه آن ها جلب می شود و آن را یاد می گیرند. مانند شعر. شما الزامی به تکرار شعر ندارید، ولی وقتی یک شعر موسیقی، ریتم، آهنگ و مفهوم دارد و کلمات بامزه و قابل فهمی دارد، اگر تکرار شود بچه آن را به طور خود بخود یاد می گیرد. بنابراین زمانی که اجبار برای هر چیزی و حتی غذا باشد، بچه آن را پس می زند. حتی چلوکیاب را نیز بچه به اجبار نمی خورد.

چون ما قرآن را با لحن فارسی یاد گرفته ایم، بهتر است که صوت قرآن که برای گروه سنی زیر ۷ سال مناسب است را قرار دهیم. باید یک قاری را انتخاب کرد که صوت آن برای بچه دلنشین باشد و آن را پخش کرد. مثلاً بچه در سوره ی توحید اشتباهات زیادی دارد که ممکن است مربی اشتباه آموزش داده باشد. بنابراین بهتر است که صوت آن پخش شود. مثلاً اول صبح با بچه ها آن را گوش دهند و هم خوانی کنند. با این روش بچه هم به مرور با لحن درست و عربی آن آیه را یاد می گیرد.

● یک نمونه از آن را اجرا کنید لطفاً. این اشاره به همان توانایی های

ما در بخش آموزه های قرآنی ۱۵ آیه بسیار کوتاه را آورده ایم. مثلاً سلام علیکم یک آیه قرآن است یا و احسنو. آیه طولانی آن؛ الله خالق کل شیء است. آیه الله خالق کل شیء را در متن تمام فعالیت های هفته و در سر جای خود آورده ایم

شخصی مربی دارد که کار هم‌افزایی را می‌تواند انجام دهد. مثلاً یکی از سوره‌ها و با عبارات‌های بسیار کوتاه را اجرا کنید.

مثلاً والدین از ما می‌خواهند با کودک ۵ ساله‌ی آن‌ها حفظ قرآن کار کنیم. ولی ما به آن‌ها می‌گوییم به هیچ وجه با روش حفظ کار نمی‌کنیم. به طور مثال آیه "سلام قول من رب رحیم". ما به بچه‌ها می‌گوییم که چرا وقتی وارد مهد می‌شوند باید سلام کنند. و یا اینکه برای چی باید ما به یکدیگر سلام کنیم و چه کسانی بهتر است که در سلام دادن پیش قدم باشند و سلام حرف پروردگار است. کسی که ما را خلق کرده است به ما دست و پا داده و دوست خوب و بابا و مامان داده است. بعد در مورد اینکه چه کسانی باید به دیگران سلام بدهند. کوچکترها باید به بزرگترها سلام کنند و چرا کوچکترها به بزرگترها باید سلام کنند چون کوچک‌ترها دوست دارند ستاره‌های زیادی از خدا بگیرند و از آسمان برای آن‌ها ستاره ببارد. به بچه می‌گوییم که پشت در کلاس بایستد و در کلاس را باز کند و در سلام دادن پیش دستی کند و حتی در سلام دادن یک سری آداب تربیتی را به بچه‌ها یاد می‌دهیم. یا به آن‌ها می‌گوییم آیا وقتی که خانه مادر بزرگ می‌روید شما اول دست می‌دهید؟ بعد

به آن‌ها یاد می‌دهیم که همانطور که در سلام دادن شما باید پیش قدم باشید، در دست دادن باید بزرگترها پیش قدم باشند. به آن‌ها می‌گوییم که کار خوب را همیشه لازم نیست که من به عنوان بچه انجام دهم و گاهی اوقات باید بزرگتر در این کار پیش قدم شوند. من این مسئله را با اولیا نیز مطرح می‌کنم که بچه حتی ممکن است به سن نوجوانی برسد ولی به دلیل درونگرا بودن از سلام دادن و احوالپرسی کردن خجالت بکشد. من سعی می‌کنم در همان ماه اول شخصیت بچه را ارزیابی کنم و در مورد آن به اولیا توضیح دهم. ما اکثراً در نمایش‌های خود از بچه‌های

برونگرا استفاده می‌کنیم و از بچه‌های درونگرا برای یک سری کارهای اجرایی دیگر استفاده می‌کنیم. در مهد کودک خود روخوانی قرآن به شیوه جامعه‌القرآن و مخصوص گروه سنی ۶ سال را داریم.

به همین دلیل است که عرض می‌کنم توانایی شخصی هر مربی در جای خود محفوظ است و باید آن را در کار خود وارد کند. ایشان با توجه به تقسیم بندی که داشتند و سناریویی که برای سلام کردن نوشته بودند، عمل کردند. بنابراین سلام یک کلمه فقط نیست، بلکه سلام یک جریان است. بنابراین چیزی که بچه می‌بیند فقط یک بازی است، ولی چیزی که یاد می‌گیرد سلام کردن است. نکته‌ای که شما در مورد قرآن می‌فرمایید، یک نکته فنی و تخصصی است و من نیز همچنان نگاه رسمی خود را دارم که منبعث از نگاه آموزش و پرورش است. این موضوع جای بحث زیادی دارد و فکر نمی‌کنم الان جای مطرح کردن آن باشد. بعضی از پدر مادرها، البته چه کسی که زبان انگلیسی برای او اولویت است و چه کسی که آموزش قرآن برای او مهم است. در واقع از مدار عمومی کار خارج شده‌اند. چون مدار عمومی کار تعریفی دارد. بنابراین از نظر قانونی واقعا وقتی گفته می‌شود

که به بچه‌های فارسی زبان، حروف فارسی را آموزش ندهید و فقط صدآموزی داشته باشید، به طریق اولی قطعاً نمی‌توان زبان انگلیسی را آموزش داد. چون من بیشتر عمر خود را در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بودم و با این مباحث مواجه بودم. بچه به طور طبیعی در سنین پایین‌تر زبان را بهتر یاد می‌گیرد. البته بدون فشار و تحمیل. به همین دلیل بچه‌های ترک، کرد یا عرب زبان اگر پدر مادر به صورت طبیعی در منزل با این زبان‌ها صحبت کنند، بچه‌ها بدون اجبار این زبان‌ها را یاد می‌گیرند. یا در نهایت اگر نتوانند به خوبی صحبت کنند، به خوبی می‌توانند آن زبان را متوجه شوند. بنابراین به طور طبیعی بچه می‌تواند زبان را یاد بگیرد. درست هم می‌گویند. اما در محدوده غیر رسمی مانند پیش دبستان که در آن هزار و یک نوع مهارت وجود دارد، نباید صرف چیز دیگری شود که بعداً می‌تواند آن را انجام دهد. همچنین این مساله خواسته‌ی پدر و مادر است و این حق کودک نیست که پدر و مادر زبان دیگری را بخواهند به او آموزش دهند. اگر به طور طبیعی اتفاق بیفتد که بحث جدایی دارد. اما اگر بچه ۴ الی ۵ ساله را به کلاس زبان ببرند، این به معنای سوء استفاده از سن کودک برای منویات پدر و مادر است. یکی از دوستان ما در کانون زبان

ایران قصد مهاجرت به کانادا را داشتند. آن‌ها کودکی داشتند و پدر و مادر هر دو مدرس زبان انگلیسی بودند و از بچگی با کودک خود به زبان انگلیسی در منزل صحبت می‌کردند. زمانی که این کودک ۴ سال سن داشت، او را به کانون آوردند و من برای اولین بار این کودک را دیدم. وقتی به او سلام دادم و کمی صحبت کردم، متوجه شدم که نمی‌تواند به خوبی زبان فارسی را صحبت کند. وقتی دوست من با او به زبان انگلیسی صحبت کرد، دیدم که به راحتی با پدر خود انگلیسی صحبت می‌کند. من در آنجا نتوانستم به دوستم

بگویم که شما از این کودک سوء استفاده کرده‌اید. بعد هم از ایران رفتند و نمی‌دانم که در حال حاضر می‌تواند به زبان فارسی صحبت کند یا خیر. بنابراین این کار سوء استفاده است. البته من وارد جریم و برنامه شخصی خانواده‌ها نمی‌شوم. زبان انگلیسی مطلقاً در چهارچوب برنامه‌ی پیش دبستان نیست. همچنین قرآن به شیوه‌ای که شما فرمودید، نیز در برنامه نیست. منظورم از روشی که برای سلام کردن گفتید نیست، بلکه روش روخوانی که دارید نیز در چارچوب نیست. مثلاً پسر من که ۲۸ سال سن دارد، به طور طبیعی و به خاطر علائقی که داشت قرآن را یاد گرفت. اما خواهر او اینگونه نبود. بنابراین بچه‌ها با هم متفاوت هستند. ممکن است واقعا یک بچه علاقمند باشد و آن را یاد بگیرد. این‌ها مواردی از تجربیات شخصی ما است. بنابراین در مورد تجربه‌های شخصی نمی‌توان بحث عمومی انجام داد. آن چیزی که ما در این مجموعه آوردیم، مجموعه‌ای است که استانداردهای آموزش و پرورش را در پیش دبستان رعایت کرده است.

با اتمام پرسش و پاسخ‌ها در این بخش از جلسه که بسیار هم برای حضاران جالب و جذاب بود و از آن استقبال کردند این کارگاه به پایان رسید.

محتوایی که مادر بسته آورده‌ایم، استانداردهای آموزش و پرورش در پیش دبستان را رعایت کرده است

« پاسخگویی نقطه قوت شماست

پرسش و پاسخ‌های مطرح شده در بخش پایانی این کارگاه ما را نیز تشویق کرد تا در قالب یک میز گرد چند سوال را با تعدادی از حاضران در میان گذاشته و پاسخ‌های آنان را در ادامه تقدیم شما کنیم. پیش از آنکه شما را به این میز گرد دعوت کنیم ابتدا حاضران در این گفتگو را خدمتتان معرفی می‌کنیم.

موسس یک پیش دبستان است. از آنجایی که ایشان در روستای سادات محله رودهن مشغول است کار مربی گری را هم خودش انجام می‌دهد.

حوریه بهرامی، دارای مدرک مربیگری از جهاد دانشگاهی در کلاس اول و پیش دبستانی با ۱۴ سال سابقه در پیش دبستانی است. وی کاردانی مدیریت امور اداری دارد و در مقطع کارشناسی ادامه تحصیل داده و همچنین دارای دو سال تجربه و فعالیت در درس حوزوی و قرآنی نیز می‌باشد. در حال حاضر نیز در رودهن و بومهن مشغول به کار است.

محبوبه حمیدی، ۱۰ سال تجربه دارد و در حال حاضر نیز دانشجویست و در یک پیش دبستان فعالیت می‌کند.

زهرا یوسفوند، در رشته روانشناسی تحصیل کرده و کارشناسی دارد. وی در حال حاضر به عنوان مربی در پیش دبستانی ظفر فعالیت دارد.

فاطمه نصیری، دارای مدرک کارشناسی و سه سال سابقه کار در حوزه کودکان است. او در بخش‌های مختلف مربی پیش ۲ و پیش ۱ و کلاس‌های آموزش چرتکه بوده و در حال حاضر مربی پیش ۲ و چرتکه در پیش دبستانی بارقه نور است.

افسانه یوسفی مقدم، دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی یکی دیگر از حاضران در اینجاست. وی یک سال سابقه کار دارد و بر اساس علاقه خود در این جلسه حضور داشت.

سکینه سادات رحمتی، با مدرک لیسانس علوم تربیتی گرایش پیش دبستانی و دبستان، دارای ۱۶ سال سابقه کار در پیش دبستان است و در حال حاضر مربی پیش دبستانی البرز است.

خانم پاکزاد، لیسانس دبیری ادبیات دارد و با ۱۰ سال سابقه، مربی پیش دبستان بوده و در حال حاضر مدیر و

● آخرین بار که در یک کارگاه مرتبط با پیش دبستان حضور داشتید چه زمانی بود و به نظر خودتان تکرار این جلسات و کارگاه‌ها چه کمکی به افزایش دانایی و توانایی شما می‌کند؟
نصیری: تابستان سال گذشته بود که در کارگاهی با عنوان ارتباط موفق با کودکان به صورت مجازی شرکت کردم. به نظر شخصی بنده هر مربی در هر مقطعی باید هر چند وقت یک‌بار در جلسات و کارگاه‌های مختلف شرکت کند و خودش را به روز رسانی کند تا بتواند یک معلم و مربی به روز باشد و به سوالات که در ذهن دانش آموزان هست به خوبی و به درستی پاسخ دهد.

یوسفی مقدم: آخرین باری که در کارگاه حضور داشتم ۲۱ مرداد بود.

رحمتی: آخرین جلسه در سال گذشته بود. بعضی جلسات خیلی خوبه. برخی جلسات هم احساس می‌کنم خیلی پیش پا افتاده ست.

پاکزاد: آخرین بار همین کارگاه که خودتون برگزار کردین بود. اگر هر چند ماه یک بار این کارگاه تکرار شود خیلی باعث پیشرفت یک مربی می‌شود.

بهرامی: آخرین بار، پارسال بود. با اساتید محترم، خیلی مربیان به روز می‌شوند و از بازی‌ها و آموزش‌های ترکیبی علوم و فارسی و ریاضی و هنر و اختلال در یادگیری‌ها را

● کارگاه توانمندسازی مربیان که برای شما برگزار شد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نصیری: کارگاهی که توسط آقای محمد ناصری و سید کمال شهابلو در آموزش و پرورش رودهن برگزار شده بود بسیار عالی و بی نقص بود با نکاتی که در جلسه توسط اساتید گفته شد به بسیاری از سوالاتی که در ذهن بنده در مورد کودکان و ویژگی هاشون و مربی موفق بود پاسخ داده شد.

یوسفی مقدم: کارگاه توانمندسازی مربیان خیلی خوب بود.

پاکزاد: این کارگاه خوب بود اما مطالبش اگر بیشتر و به صورت عملی بود جالب‌تر می‌شد.

رحمتی: کارگاه بسیار خوب و دوستانه بود.

حمیدی: کارگاه خیلی مفید بود و این کلاس‌ها باعث افزایش توانمندی بیشتر مربی برای ارائه بهتر و پیشرفت نو آموزان می‌شود.

یوسفوند: کارگاه بسیار خوبی بود. آخرین بار ۲۱ مرداد ماه در یک کارگاه شرکت کردم. کارگاه باعث شد که تجربه کسب کنیم. دوره پیش دبستانی با دوره دبستان کاملا متفاوت است و از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌توان به نظر سنجی دست پیدا کرد و موثر باشد.

مورد ارزیابی قرار دادند و از روانشناسان مختلف در مقطع پیش دبستانی و از تجربیات مربیان و معلم‌های دیگر استفاده می‌شد.

حمیدی: آخرین بار تابستان سال گذشته در کارگاه آموزشی بین الملل ویژه دانش آموزان ایرانی و اتباع بود. و به نظر خودم این کلاسها فوق العاده عالی است. این کلاسها باعث می‌شود برای شکوفایی نوگلانمان که سن طلایشان است با توانایی بیشتری در کنارشان حضور داشته باشیم.

● یک بسته آموزشی موفق که بتواند به مربی در پیش دبستان کمک کند از نظر شما باید ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی داشته باشد؟ حمیدی: از نظر من بسته آموزشی موفق باید به صورت تصویری، شنیداری، دست ورزی و خلاق باشد.

نصیری: پیش دبستانی مقطع خیلی حساسی هست چون نوآموزان، اولین تجربیات شون از محیط مدرسه به دست می‌آورند و آماده برای محیط مدرسه. پس باید کتاب‌های آموزشی و بسته‌های آموزشی که مربی در این مقطع به کار می‌گیرد و استفاده می‌کند از هر نظر نوآموز رو ارتقا دهد و مهارت‌های مختلف جسمی و حرکتی و دیداری و شنیداری و دست‌ورزی را افزایش بدهد.

یوسفی مقدم: بسته موفق آموزشی بنظر بنده انواع بازی‌های تمرکزی، هماهنگی دست و چشم، یک کتاب جامع و کامل برای مربی ویدیوهای جذابی که مرتبط با کتاب‌های آموزشی نوآموزان باشد. کاربرگ‌های هفتگی متناسب با موارد آموزش داده شده، بسته آموزشی راهنمایی برای والدین و مربیان داشته باشد.

رحمتی: اینکه مهارت‌های زندگی رو بیشتر آموزش بدهد، تصاویر رنگی و شاد داشته باشد، قابل فهم و مناسب سن بچه‌ها باشد.

پاکزاد: یک بسته باید تمام محتوی آموزشی راجع پیش دبستان داشته باشد که یک نوآموز بتواند آن استعداد خودش را در قالب این محتوی بروز بدهد.

بهرامی: بسته‌های آموزشی باید توانایی نوآموزان رو بالا ببرد و تقویت حواس و تمرکز و دقت و توجه نوآموز را در سطح بسیار بالایی قرار بدهد، دست ورزی و خلاقیت و سرعت عمل آن‌ها را فراهم کند، ماهیچه‌های ریز انگشتان دست رو تقویت کند، نقاشی‌های خلاقانه، اورگانی و....

● وجود یک کتاب و راهنما برای والدین کودکان پیش دبستان تا چه اندازه به مربی کمک می‌کند تا بتواند به اهداف خود در مسیر تربیت و یادگیری بهتر و بیشتر نزدیک شود. کمی در این رابطه توضیح بفرمایید.

پاکزاد: وجود یک کتاب راهنما خیلی خیلی می‌تواند هم به مربی و هم به والدین در مسیر یادگیری کمک کند در صورتی که خانواده هم برای یادگیری مطالب تلاش کند.

نصیری: کتاب‌های آموزشی و درسی مقطع ابتدایی و راهنمایی اکثراً برای معلم کتاب راهنما و آموزش دارد به نظر بنده با وجود همچنین کتاب‌هایی هم معلم از قبل آماده کلاس می‌شود هم یک برنامه ریزی دقیق دارد، هم به

سوالاتی که از کتاب در ذهنش به وجود می‌آید پاسخ داده می‌شود و اگر برای والدین هم چنین کتاب‌هایی وجود داشته باشد باعث می‌شود والدین از آموزش‌های کلاس اطلاع پیدا کنند و با کلاس هماهنگ باشند و برای تقویت بیشتر بچه‌ها درس‌های داده شده را در خانه با بچه‌ها تمرین کنند.

یوسفی مقدم: در بسته آموزش اهمیت مفاهیم بالا، پایین، پر، خالی، اول، آخر اهمیت دارد.

رحمتی: کمک می‌کند آن هدفی که معلم و مربی می‌خواهد، برای والدین روشن شود و بیشتر همکاری کنند و محیط پیش دبستانی و کارهایی که انجام می‌شود را درک کنند و توقع اضافی از فرزند خودشان و مربی نداشته باشند.

بهرامی: خیلی زیاد چون مربی با والد هماهنگی خاصی نسبت به آموزش‌ها دارند و والد بهتر متوجه کارهای مربی می‌شود و مسیر تربیت و یادگیری بهتری ارائه می‌شود.

حمیدی: اگر راهنما یا کتابی به والدین یا جلساتی برای والدین در مراکز برگزار شود باعث می‌شود خانواده در مسیر یادگیری و تربیت نوآموزان در کنار ما همکاری لازم را داشته باشند تا مربی بتواند به هدف بهتری در توانا سازی نوآموز برسد.

● بسته‌های تربیت و یادگیری که از پشتیبانی مربیان و والدین برخوردار هستند و به پرسش‌های آنان از طرق مختلف مانند وبگاه و کانال‌های شبکه‌های اجتماعی پاسخ می‌دهند چقدر می‌توانند به مربیان و خانواده‌ها در پیشبرد اهدافشان کمک کنند و موثر باشند؟

یوسفی مقدم: این که یک بسته آموزشی دارای پشتیبانی و پاسخگویی باشد نقطه قوت آن بسته است.

نصیری: بسته آموزشی که همراه خود پشتیبانی در وبگاه یا شبکه‌های اجتماعی داشته باشد، بسته‌ای کامل‌تر و جامع‌تر است چون در طول سال تحصیلی در بعضی از دروس ممکن است سوالاتی در ذهن مربی یا والدین به وجود بیاید که می‌توانند با مراجعه به پشتیبان پاسخ سوال خود را دریافت کنند ولی بنده خود تا حالا چنین بسته‌ای ندیدم که پشتیبان هم داشته باشد و بسته من می‌دانم من می‌توانم اول بسته‌ای بود که همچنین ویژگی خاصی داشت.

رحمتی: خیلی خوبه. چون اگر یک موقع به مشکلی بر بخوریم می‌توانیم کمک بگیریم و کارهایمان را به اشتراک بگذاریم و از تجربیات هم استفاده کنیم و اینطوری مربیان خانواده‌ها از اهداف آموزش مطلع می‌شوند و بیشتر همکاری می‌کنند.

پاکزاد: هر چقدر این بسته‌ها بیشتر باشد حالا به هر طریقی خیلی می‌تونن هم به مربی و هم به والدین کمک کند.

حمیدی: این بسته‌های آموزشی باعث می‌شود فضای سالم برای شکوفایی شخصیت کودک به وجود آید.

به نظر من آموزش باید هدفمند، شاد، با خلاقیت و گروهی با بازی باشد.

از زحمات شما بزرگواران برای افزایش توانمندسازی مربیان سپاسگزارم.

● از اینکه وقت گذاشتید و در این نشست و میز گرد حضور پیدا کردید از شما صمیمانه سپاسگزاریم.